

روش افسار گسیخته تورم و کاهش روز افزون دستمزد واقعی کارگران

در طی چند ماه اخیر، باردیگر قیمت کالاها و مایحتاج اولیه مردم افزایش جهش وار خود را آغاز کرده است. قیمت برخی کالاها در همین چند ماهی که از سال جاری مبکردد برابر شده است، گوشت، تخم مرغ و برخی کالاهای دیگر از این نمونه اند. بهای بلیط اتوبوس در تهران از ۵۰ به ۱۰۰ و اکنون به بهانه سریع السیر شدن به ۲۰۰ ریال افزایش یافته است. با ورشکستگی‌مالی دولت و افزایش حجم کلان مالیات‌های غیر مستقیم در بودجه سال آینده، نرخ تورم در آینده نزدیک دوباره از ۵۰ درصد نیز خواهد گشت. این رشد افسار گسیخته تورم، شرایط زندگی‌مادی کارگران

صفحه ۲

دشنۀ سپاه بر گلوی دانشگاه!

دوازدهم مهرماه، مجلس ارجاع " طرح گسترش بسیج دانشجویی" را به تصویب رساند. بموجب این طرح، "سازمان بسیج دانشجویی نیروی مقاومت" که وابسته به سپاه پاسداران و یکی از شاخه‌های آن است، به منظور "جذب آموزش و سازماندهی دانشجویان و اساتید جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و بسط تفکر بسیجی" درکلیه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی دست به تشکیل "بسیج دانشجویی" می‌زند. مطابق تبصره یک این قانون، به منظور "همانگی و پشتیبانی از تشکیل، توسعه و تقویت فعالیت‌های بسیج

صفحه ۵

مکان قانون کار در پیکار علیه سرمایه

در هر جامعه طبقاتی که قدرت سیاسی دردست بورژوازی باشد، قوانین، مبانی و معیارهای حقوقی این جامعه نیز برپایه منافع طبقاتی همین طبقه که در ضمن از لحاظ اقتصادی هم بر جامعه مسلط است، تنظیم می‌گردد و از منافع آن حرایت و پاسداری می‌کند. در جمهوری اسلامی نیز تمامی قوانین جاری جامعه و مبانی حقوقی آن، برهمین پایه، یعنی معطوف به تأمین و حفظ منافع استثمار گران و مرتजین است. از آن جمله است قانون کارکه در زمرة مهمترین این قوانین است. در ایران کارکه در ساخت و پیاخت، شهردار سابق تهران تبرئه شود، خود راساً حکم را به اجرا خواهد گذاشت، ناآرامی و اعتراض دردانشگاهها و کشته و زخمی شدن دهها تن از نیروهای مzdoro سرکوبگر انتظامی بدست یک سرباز، جملگی باز تاب بحران هد جانبه‌ای است که رژیم در چکال آن دست و پا می‌زند.

وحشی گری‌های رژیم، باز قاب فرو پاشی حکومت اسلامی

روی دادهای مهم چند هفته گذشته ایران، قتل وحشیانه داریوش و پروانه فروهر، مرگ مشکوک مجید شریف، یکی تازی باندهای تور و سرکوب حزب‌الله‌ی در تهران و برخی شهروستانها، برهمنزد مجامع هنری و سیاسی در تبریز، مشهد، تهران و ... توسط این دسته جات، حمله باندهای حزب الهی به اتوبوس حامل توریست‌های آمریکائی که همراه با تیراندازی و شکستن شیشه‌های اتوبوس صورت گرفت، اطلاعیه حزب‌الله‌اصفهان مبنی براین که چنانچه باساخت و پیاخت، شهردار سابق تهران که قدرت سیاسی در دست مشتبی بورژوا، تاجر، ملاک و مرتع مفتخر قرار گرفته و اساس جامعه صفحه ۳

توجه

آدرس پست الکترونیک سازمان تغییر کرده است.
آدرس جدید را بخاطر بسپارید:

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaeian - minority.org

آدرس صندوق پستی ما در سوئیز تغییر کرده است. در ضمن یک بار دیگر از همه کسانی که برای نشیوه کار نامه می‌نویسند می‌خواهیم که نامه‌های خود را به آدرس‌های صفحه آخر نشیوه کار ارسال کنند.

در این شماره

- ۱ مصاحبه با یکی از فعالین جنبش دانشجویی اندونزی
- ۲ اعتراض به دعوت دولت فرانسه از محمد خاتمی
- ۳ اخبار کارگری جهان
- ۴ یادداشت‌های سیاسی
- ۵ گزیده‌ای از نامه‌های رسیده
- ۶ اطلاعیه‌های سازمان
- ۷ اخباری از ایران

وظیفه «هیئت هماهنگی تدارک تربیونال بین المللی» کدام است؟

قتل‌های سیاسی چند هفته گذشته را نمی‌توان در چارچوبی خارج از بحران فروپاشی حکومت اسلامی ارزیابی کرد. این قتل‌ها را نمی‌توان همانند قتل‌های سیاسی گذشته ارزیابی کرد که رژیم برای کشتن بی سر و صدای مخالفین، ترور آنها را در دستور کار قرار می‌داد. باز تاب سیاسی داخلی و بین‌المللی قتل فروهر‌ها بسی فراتراز دستگیری و یا محاکمه و محکوم کردن آنها بود. بعيد است که دستگاه‌های سرکوب، اطلاعاتی و امنیتی رژیم که پشت این ترور بوده اند، ارزیابی بازتاب سیاسی این ترور را نداشته‌اند. قطعاً هر آدم بی اطلاعی هم در رون رژیم این را می‌دانست که در شرایطی که رژیم با یک بحران سیاسی و خیم روپرستو از درون نیز با تضادها و کشمکش‌های حادی روپرست، این ترور دیگر وسیله‌ای برای خاموش کردن صدای مخالفین و مرعوب کردن آنها نخواهد بود بالعکس اعتراض به این وحشی گری هارا گستردۀ تر خواهد ساخت و بحران دیگری بر بحران‌های رژیم خواهد افزود. معهدناویتی که با تمام این اوصاف، ترورهای اخیر انجام می‌گیرند، باید آنها دریاریک چارچوب کلی تر سیاست سرکوب مورد ارزیابی قرار داد. چنین بنظر میرسد که اکنون دیگر لااقل جناح‌های اصلی رژیم جمهوری اسلامی بایان نتیجه رسیده‌اند که دیگر نمی‌توان همانند گذشته بر مردم حکومت کرد. آنها آشکارا پوشیده بوجود دیگر بحران عمیق معتبر هستند هر یک، راه حل خود را برای مقابله با این بحران بمرحله اجرا گذاشته است. یک جناح تحریربری خاتمی در نقش کبوتر ظاهر شده و میخواهد از طریق رفم‌های فوق العاده سطحی و کاهش اندک از دامنه فشار و سرکوب، رژیم را نجات دهد، و جناح دیگر در نقش باز خود را برای سرکوبهای بسی وحشیانه تر از گذشته آماده کرده است، این جناح که دولت به معنای صفحه ۲

رشد افسار کسیخته تورم و کاهش روز افزون دستمزد واقعی کارگران

تا بدان حد ضد دمکراتیک و ارتجاعی است که حتی این حق را از کارگران سلب نموده تا تشکل های مستقل خود را ایجاد کنند و به عنوان یک طبقه در برابر طبقه سرمایه دار قرار بگیرند و خود را بستانند. در حالی که کارگران ایران در منتهای فقروبریختی زندگی میکنند، سرمایه داران و کارگزاران آنها در دستگاه دولتی هر سال میلیاردها تومان حاصل دسترنج کارگران را به جیب میزنند. در کشوری که دستمزد کارگران حتی بر طبق آمار رسمی دولتی جبران کنده ۴۰ درصد هزینه های حداقل معیشت آنها نیست، یک نماینده مجلس ارتجاع و یا یک مقام دولتی تنها در هر ماه ۴۶۰۰۰ تومان به عنوان حقوق و ۲۵۰۰۰ تومان به عنوان حق مسکن دریافت می کنند و اگر مزایای رسمی دیگری را که از آن برخوردارند به این ارقام اضافه کنیم، حقوق ماهانه آنها به یک میلیون تومان سر میزند و تازه اگر در دوربعده هم به عنوان نماینده مجلس انتخاب نشدن، مادام العمره مین حقوق رامیگیرند. این ارقام را روزنامه های رژیم در حالی اخیرا افشا کردند که این مرتعجين تقاضای افزایش حقوق خود را کردند.

همه این حقایق به آشکار ترین شکلی نشان می دهد که جمهوری اسلامی وظیفه ای جز این ندارد که هرچه بیشتر کارگران ایران را استثمار کند و بر حجم سود و ثروت سرمایه داران و سران و دست اندکاران دستگاه دولتی بیافزاید. کارگران راه دیگری جز مبارزه مشکل و سریخت با حکومت اسلامی در پیش ندارند. حداقل چیزی که اکنون کارگران در زمینه افزایش دستمزد میخواهند، این است که دستمزد آنها بر طبق همان ارقام رسمی که دولت اعلام کرده است، به نحوی افزایش یابد که تأمین کننده حداقل معیشت آنها باشد یعنی دو برابر شدن دستمزدها.

در سالان غذای خوری بگله بست. تردیدی نیست که رژیم در آخرین لحظات عمر ننگین اش به جنایاتی وحشیانه تراز روزهای اخیر متولی خواهد شد و بسیانه ترین شیوه ها برای سرکوب انتظامی را به هلاکت رساند، بیان دیگری این سرعتی که بحران درحال پیشروی است، چنان خواهد پایید که کارگران و زحمتکشان در یک جنبش توده ای وارد میدان شوندو قهر ضد انقلابی حکومت را با قهر انقلابی خود در هم بشکند و بساط ارجاع را از ایران جاروب کنند.

را بازهم و خیم تر نموده و سطح معیشت آنها را به نحو فاجعه باری تنزل داده است. این وضع، تازه در حالی است که روزهای سخت تری در پیش است و هنگامی که دولت بودجه سال اینده خود را به مرحله عمل و اجرا بگذارد و مالیاتهای غیر مستقیم را بازهم افزایش دهد، معلوم نیست که چگونه کارگران باید شکم گرسنه خود و خانواده هایشان را سیر کنند. اگر ملاک را همین چند ماه گذشته قرار دهیم و به آمار رسمی دولتی و دست اندکاران حکومت استناد کنیم، آنچه که امروز کارگران به عنوان دستمزد دریافت می کنند، جبران کنده حتی نیمی از هزینه های حداقل معیشت آنها نیست. اخیرا رئیس هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار که خود از وابستگان حکومت است، در قزوین اعلام نموده دستمزد کارگران تا به آن حد ناچیز و کم است که تنها جبران کنده ۴۰ درصد هزینه های آنهاست. عین همین آمار را به زبان دیگر، قره باگیان معاون وزیر امور اقتصادی و دارائی ارائه نمود. او گفت متوسط حقوق کارمندان دولت در حال حاضر ۴۷۰ هزار ریال و متوسط هزینه زندگی یک خانوار شهری یک میلیون و ۱۲۰ هزار ریال است. وقتی که سران و دست اندکاران ترور اسلامی هستند. لذا عوام و رهبر گروههای ترور اسلامی هستند. میکنند که برای تامین حداقل معیشت کارگران فربی محض است، وقتی که رئیس جمهور حکومت لاقل باید دستمزد آنها حدود ۱۲۰ درصد افزایش یابد، چرا دولت و سرمایه داران از افزایش دستمزد کارگران به همین میزان که خود به ضرورت افزایش آن معرفت هستند، سربازی میزنند؟ چرا دولت باز هم هزینه درگیر شکستگی مالی اش را برگرداند کارگران قرار میدهدو با افزایش پی در پی مالیاتهای غیر مستقیم، دستمزد واقعی کارگران را کاهش میدهد؟ پاسخ این سوالات روشن است. رژیم حاکم بر ایران پاسدار نظام سرمایه داری و مدافعان منافع سرمایه داران است. رژیم حاکم بر ایران، رژیمی

از خواب دیرینه بیدار میشوند، و دیگر لالائی آقای خاتمی اثری نخواهد داشت. ماجراهی سربازی که چندروز پیش اسلحه خودرا از سربازخانه برداشت و در دو درگیری جداگانه، دهها تن از مزدوران نیزدی انتظامی را به هلاکت رساند، بیان دیگری از خشم فروخته مردمی است که علیه حکومت پیا می خیزند. روزنامه های رژیم کوشیدند که از کنار این زویده بعنوان واقعی معمولی بگذرن، اما این اقسام، یادآور اقدام سربازی است که دروا پسین روزهای حکومت شاه، گروهی از افسران گارد را

وحشی گری های رژیم باز تاب فرو پاشی حکومت اسلامی

واقعی کلمه را در اختیار دارد و دستگاههای سرکوب را تحت رهبری خود دارد، در مرحله کنونی تاکید ویژه ای را بر سازماندهی دسته جات مسلح غیر رسمی قرار داده است. این دسته جات که سر نخ سازماندهی آنها در دست دستگاه دستگاه نظامی و انتظامی امنیتی و قضائی و دستگاه روحانی است، در محلات و حول و حوش مساجد و دیگر نهادهای مذهبی سازماندهی می شوندو آموزش می بینند. وظیفه آنها، حتی فراتراز دسته جات مشابه اوائل به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی است. چنین بنظر میرسد که این باندهای ترور و سرکوب بینحوی سازماندهی می شوند که آمادگی لازم را برای اعمال خشونت و سرکوب، در مراحل پیشرفت تر جنبش اعتراضی توده های مردم داشته باشند. اینها که امروز اپوزیسیون قانونی رژیم را مورد حمله قرار میدهند و دست به ترور میزنند حتی به گرد هم آئی های طرفداران خاتمی حمله میبرند، در اصل برای زمانی آماده میشوند که اعتراضات و تظاهرات توده ای شکل بگیرند.

این را همه جناح های حکومت می دانند، و بر همه آنها نیز روشن است که چه کسانی سازماندهی ترورهای اخیر داشته و چه کسانی سازماندهی و رهبر گروههای ترور اسلامی هستند. لذا عوام فربی محض است، وقتی که رئیس جمهور حکومت لاقل باید دستمزد آنها حدود ۱۲۰ درصد افزایش یابد، چرا دولت و سرمایه داران از افزایش دستمزد کارگران به همین میزان که خود به ضرورت افزایش هم هزینه درگیر شکستگی مالی اش را برگرداند که آنها را پیدا کنند و تحويل دستگاه قضائی بدهن. آقای رئیس جمهور حکومت اسلامی گویا مردم را به مسخره گرفته و از دستگاههای سرکوبی که خود سازماندهای این دسته جات و برنامه ریزی برای عملیات آنها هستند، میخواهد باندهای ترور اسلامی را شناسائی، دستگیری و مجازات کند. این آقای عوام فربی، در حالی که مردم را در خانه هایشان با کارد قطعه قطعه میکند، در خیابانها میریابند و به قتل میرسانند، با پرورئی تمام در سخنرانی های خود از آزادی سخن بیان می آورد، وادعا میکند که نمیگذرد حقوق مردم پایمال شود. دیگر حقی برای مردم باقی نمانده است که این آقا بخواهد از پایمال شدن آن جلو گیری کند. وقتی که انسان، اوضاع جامعه، اختناق و سرکوب و ترور و وحشت را میبیند، و سخنان این دست پرورده شیاد بزرگ قرن، خمینی را می شنود، خواهد گفت که گویا در درون رژیم تقسیم کار صورت گرفتادست و نقش آقای خاتمی این است که برای ملت لالائی بخواند. اما مردم از یک سوراخ دویار گزیده نمی شوند. خمینی یکبار آنها خواب کرد، مردمی که تازه از خواب بیدار شده اند، دیگر فربی خاتمی را نخواهند خورد. مردم بپا می خیزند. جنبش های اعتراضی روز بروز گسترده ترمیشوند. جنبش طبقه کارگر ایران، هرچند که هنوز بعنوان یک جنبش مستقل سیاسی قدم بعرصه نگذاشتادست، اما کارخانه ها مملو از اعتراضات اند. در دانشگاهها، گروههای طرفدار جناحهای رژیم ابتکار عمل را از دست میدهند، ویک جنبش دانشجویی مستقل از حکومت و جناحهای آن پا میکرد. اینها همه نشانه آن است که مردم

به علت توکم مطالب ادامه مقاله

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری

در شماره آتی نشریه کار درج می گردد

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

و البته بمنظور آنکه مبالغ بیشتری بچنگ آورد، احراه بدهد . (۱) در این لایحه هیچ گونه نرم و ضابطه اجتماعی برای استخدام کارگران ، تبیین میزان دستمزد، شرایط کار، مدت کار و امثال آن وجود نداشت و تماماً به هرشرایط خاص و باصطلاح "تراضی" طرفین یا درواقع به تصمیم و خواست "جاعل" (یعنی سرمایه دار) بستگی داشت. خلاصه آنکه این لایحه اجتماعی و ضد کارگری دست پخت حکومت اسلامی، نه فقط همسطح خواست کارگران که رژیم شاه را سرنگون کرده بودند نبود، حتی نسبت به قانون کار رژیم شاه عقب تر هم بود. بدیهی بود که طرح چنین لایحه ای اعتراض وسیع ترده کارگران را بر انگیزه همین طور هم شد . مبارزه اعتراضی و گستردگی کارگران علیه لایحه قانون کار ارتجاعی رژیم، مرتعین و سرمایه داران را کمی به عقب نشینی و داداشت و ارجاع حاکم بر آن شد تا با ایجاد پارهای تغییرات در رفرم و ظاهر آن ، کارگران را آرام کند و اعتراض های کارگری را بخواباند. پس واژه هائی نظیر اجر و مستاجر از این لایحه حذف گردید و بجا آن "کار پذیر" و "صاحبکار" گذاشته شد اما مضمون آن که تماماً مبتنی بر منافع بی قید و شرط و مطلق سرمایه دار و سلطه آن بر کارگر بود، دست نخورده باقی ماند و در اختلاف میان کارگر و کارفرما ، حق ، مثل سایر موارد به "صاحبکار" داده شد . معهدها تداوم مبارزه کارگران و مقاومت آنها در برابر این لایحه ضد کارگری، مانع از تصویب آن گردید و حتی هیئت دولت را و دادشت تا با اضافه کردن بندها و تبصره هائی به آن، و ایضاً "تغییر پارهای واژه ها و اصطلاحات، آن را تصویب کندو به مجلس ارتجاع بفرستد. سرانجام بعداز یکرشته کشمکش میان جناحهای حکومتی و باوارد کردن برخی مواد سر و دم برپیده پیرامون برخی از خواستهای کارگری، در سال ۶۷ خواسته کار در حالیکه از تصویب مجلس ارتجاع گذشت، اما شورای نگهبان با وارد داشتن ۶۵ اشکال شرعاً و قانونی با آن این لایحه را رد کرد تا بالآخره مجمع تشخیص مصلحت نظام برای خواباندن غایله و جلوگیری از گسترش مبارزه کارگری در سال ۶۸ آن را تائید و تصویب نمود.

معهدها تغییرات این قانون در محدوده همان چند ماده و تبصره ای که بآن افزوده شده بود و در هر حال از پیش نویس آن در سال ۶۱ فاصله گرفته بود و به یک اعتبار در چار چوب نظم سرمایه داری گامی به پیش به نفع کارگران محسوب می شد، نارضایتی مدیران کارخانه ها و صاحبان صنایع و سرمایه داران را در پی داشت. رژیم جمهوری اسلامی روند بلاتکلیفی قانون کار و مبارزه ای را که برسر آن در اعمال جامعه جاری بود، بنفع خویش نمیدید. مسئولین وقت که از رشد و گسترش بیشتر مبارزه اعتراضی کارگری در هراس بودند می خواستند جلو این روند را بگیرند بنابراین می خواستند هر چه زودتر بقول معروف قال قضیه را بکند و برگتاب قانون کار، مهر پایان بکویند. آنان در عین حال برای آنکه دل سرمایه داران را بیشتر بdest آورده باشند بروجود نقصان و اشکالاتی در قانون کار صحه گذاشتند، نقصان و اشکالاتی که البته بقول سرحدی زاده وزیر کار وقت رژیم (۶۷) و عضو کمیسیون کار مجلس فعلی، بیباشیستی توسعه "فقها و مجتهدین" والبته برای تامین بهتر و بیشتر منافع سرمایه داران برطرف گردد. چنین است که بالآخره پس از ۱۲ سال از روی کا آمدن حکومت اسلامی،

ضد کارگری است، باوضوح شکری دیده می شود.

مبارزه کارگری ، مرتعین را عقب راند

بیست سال قبل ، کارگران ایران نظام ارتجاعی و ضد کارگری سلطنتی را که درین بند قانون کار آن، حقوق کارگران پایمال شده و تماماً برپایه منافع بورژواها و استثمارخشن کارگران تنظیم شده بود، سرنگون کردند و خواستار یک رشت تحولات و دگرگونیهای عمیق سیاسی و اقتصادی بودند. در عرصه رویاروئی با سرمایه داران و طرح منافع مستقل خویش ، طبقه کارگر تا آنجا که مجموعه شرایط عینی و ذهنی در آن لحظه تاریخی بوعیاجازه می داد، گام های مهمی نیز بجلو برداشت . اما حکومت جایگزین یعنی جمهوری اسلامی که نظامی بغایت ارتجاعی و ضد کارگر بود، از همان آغاز خصوصت آشتبانی ناپذیر خود با طبقه کارگر را به نمایش گذاشت و در برابر فتوحات طبقه کارگر و پیشوایهای مبارزه کارگری اعم از ایجاد شوراهای و سایر تشکل های کارگری یا اموری که به نحوه اداره کارخانه دویا مسائلی که به تعیین دستمزدها و وضعیت رفاهی کارگران و سایر امور و مسائل کارگری مربوط می شد، به اقدامات خشونت آمیز و سرکوبگرانه ای دست زد. گروه گروه از پیشرونان کارگری در کارخانه ها و مراکز مختلف تولیدی و تثبیت صنعتی را اخراج و دستگیر نمودو به زندان افکند و شمار زیادی از کارگران را به جوخد های مرگسپرد. تالیکه سرانجام در موج کشتار سراسری و سرکوب همه جانبی خشونت باری کدررسال ۶۰ برآمد از خاتم جنبش هاو اعتراضات کارگری را وحشیانه سرکوب کرد و دستاوردهای انقلابی و مبارزاتی طبقه کارگر در عرصه های فوق را کدر جریان انقلاب و سرنگونی رژیم شاهنشاهی و تحولات یکی دوساله بعداز آن بdest آورده بود، باز پس گرفت.

سرمایه داران و مرتعین تازه به قدرت خزیده ، در چنین فضایی یعنی بعد از آنکه یک اختناق بی مانندی را بر جامعه حاکم کردند، بحث قانون کار خویش را نیز به میان کشیدند. سرمایه داران که این بارلیاس مذهب را برتن و روحا نیت مرتعی را نیز بطور تنگاتنگ و همه جانبی در کنار و همراه خود داشتند، با استفاده وسیع از دین و اعتقادات مذهبی "جمهوری" خویش را مستقر ساخته و در راستای تحکیم سلطه طبقاتی خود، قولانی خویش را نیز به آئین اسلام و مذهب آراستند . جمهوری اسلامی در زمینه مسائل کارگری، (همچنانکه در سایر زمینه ها) به مدد سنن فقهی، آنچنان قانون کاری نوشته، که هیچ سرمایه داری حتی درخواب هم آن را نمی دید. پیش نویس لایحه قانون کاری که سال ۶۱ توسط رژیم تهیه شد، بر مبنای "باب اجاره" فقه اسلامی تنظیم یافته و مشتمل بر دو بخش "اجاره" (یعنی استخدام) و "جهاله" (یعنی مستتمزد) بود. توکلی و وزیر کار وقت به صراحت گفته بود که بخش اعظم مفاداین قانون از "احکام الی" نشات گرفته که نه فقط رای و نظر کارگران ، بلکه رای و نظر هیچ بشر دیگری هم در آن دخیل نبود! در این لایحه فوق ارتجاعی و عهد عتیقی که مفاد آن از تحریر الوسیله و توضیح المسائل و امثال آن گرفته شده بود ، حتی از آوردن واژه کارگر هم پرهیز شده بود . کارگر هم دیف اشیا و "اجیر" ی شمرده می شد که "مستاجر" آنرا اجاره می کرد . "مستاجر" که بعداً به "صاحبکار" تغییر نام داد، میتوانست اجریان خود را به کسان دیگری

مکان قانون کار در پیکار کار علیه سرمایه

بر بهره کشی از کارگران قراردادار، روشن است که قانون کار آن هم، بیان حقوقی و قانونی سلطنتی کارگران است. این قانون که بالصرایح براستشار و کارمزدوری صحه گذارده است و در هیئت بندها و تبصره هایی منافع سرمایه داران را بازتاب می دهد ، قانونی است که عمیقاً ارتجاعی و ضد کارگری است.

قانون کار، در هر جامعه سرمایه داری، در عین حال شاخص توازن قوای طبقاتی میان اردوی کارواره دوی سرمایه، میان دو طبقه اصلی و متخصص جامعه یعنی پرولتاریا و بورژوازی هم هست . بعبارت دیگر قانون کار در هر جامعه معین سرمایه داری، انکاس دهنده آن روابطی است که در روند طلاق ای ایجاد شده است. در یک سو، سرمایه داران و مرتعین سعی می کنند با تهیه و تصویب قوانینی به نفع خود، برآمد فشار و استثمار کارگران بیفزایند و نظام بردگی مزدوری را بوسیله بندهای قانون خود نیز تحکیم و تثبیت کنند و حقیقت آنچه را که کارگران در پیرویه مبارزه طبقاتی خود ولو در چارچوب نظم سرمایه، بdest آورده اند از آنان پس بگیرند ، کارگران بست آوراند و مناسبات حقوقی ارتجاعی تر ، ستمکارانه تر و سخت گیرانه تری را بر کارگران تحمیل کنند، در قطب دیگر و در برابر آن، طبقه کارگر قرار گرفته است که اساساً خواهان برآندازی نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم و کمونیسم است . معهدها مادامکه هنوز نظام سرمایه داری بر قرار است، کارگران در چارچوب این نظام برای بهبود شرایط کاروزنگی خود نیز دست به میزند. طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه دار دست به مبارزه میزند و برای دست یابی به مطالبات، جنبش های اعتراضی خویش را سازمان می دهد . در جریان این نبرد طبقاتی، کارگران سعی میکنند سرمایه داران را به عقب نشیطی و دارند، از شدت فشار کارواره دهانی بکاهند و سرمایه داران را مجبور نکند تا دستاوردهای مبارزات کارگران را بخوبی در قانون کار منعکس سازند. همانطور که سرمایه داران بیخواهند پیشبرد سیاستهای خویش علیه کارگران را بوسیله قانون خویش نیز تحکیم کنند، بدیهی است که کارگران هم بخواهند پیشوایهای معین آنها علیه استثمار کارگران شکل قانونی بخود بگیرد چرا که طبقه کارگر مادام که نتوانسته است سلطه سرمایه را برآندازد و بردگی مزدی را الغا کند، مادامکه در اسارت کار مزدوری بسر می برد، از طریق اینکه در برابر سرمایه داران خواستار قانونی باشد که مطالبات و دستاوردهای مبارزاتی اش در آن ملاحظ شده باشد، میتواند در مبارزه طبقاتی خود علیه سرمایه، گشاش های ایجاد کند تا ضمن تثبیت دستاوردهای مبارزاتی خود، در عین حال مبارزه خویش علیه سرمایه داران را نیز یک گام به جلو سوق دهد . چنین است که نظام سرمایه داری، مبارزه برسر قانون کار، به یکی از عرصه هایی می شود . این عرصه مبارزاتی میان کارگران و سرمایه داران تبدیل می شود . این عرصه مبارزاتی کارگری و این نبرد و تقابل کارگران با سرمایه داران و مرتعین در جمهوری اسلامی نیز که یک نظام عمیقاً

(ولو آنکه اکثر دستاوردهای انقلابی طبقه کارگر را باز پس گرفتند) لایحه قانون کار فوق ارجاعی خویش را که برمبنای "باب اجاره" و سین فقهی تنظیم شده بود به کارگران تحمیل کنندو بعد از قریب به ده سال کشمکش برسر آن، در نهایت احباراً به عقب شینی هائی ولو در چارچوب نظم سرمایه داری موجود تن دادند، اکنون سرمایه داران و مرتتعین چنین سودائی در سر دارند تا عقب شینی خود را جبران کنند.

این برداشت وفرضیه نه فقط در زمزمه های سرمایه داران و کارگران آنها که هر روز پررنگ تر میشود، انعکاس دار د، بلکه ویژگی های موقعیت لحظه کنونی طبقه حاکمه نیز آنرا تقویت میکند. دولت دستش خالی و پایش روی هواست و شدیداً به سرمایه داران وکیسه پول آنها نیازمند است. سوای واگذاری واحد های صنعتی و تولیدی به سرمایه داران بخش خصوصی دائم در حال دادن امتیازات جدیدی به آنهاست. دولت از سرمایه داران تمنا می کند که سرمایه های خویش را بکار انداخت و برای نجات خویش با هزارویک زبان آنان را بمک می طلبد. اگر قرار باشد سرمایه داران رژیم را - رژیم خود را - از خطر سقوط نجات دهد، پس رژیم هم حاضر است در عقب راثن کارگران باز دیگری بأنها بدهد. از سوی دیگر، سرمایه داران نیز خواهان سقوط و نابودی رژیم خود نیستند. معهداً آنان برای گرفتن امتیاز بیشتر شرایط را مساعد یافته اند. آنان به صراحت "کاهش رقبای سرمایه گذاری" را نتیجه "حاصل قانون کار" میدانند و خلاصه بحث تغییر واصلاح آن را بیان کشیده اند تا شاید بتوانند آن مواردی را که زمانی با زور کارگران در آن جای داده شاذ آن حذف و یا مواردی را که در اثر اعتراضات کارگری از آن حذف شده بود، به آن وارد کنند.

اما این کوششهاوزمزمه ها، از هم اکنون اعتراضات و جنب و جوش وسیع و گسترشده ای را در میان کارگران برانگیخته است. کارگران سالها مبارزه خویش علیه قانون کار ارجاعی رژیم را از یاد نبرده اند. طبقه کارگر نه فقط قانون کار عقیق مانده تری را تحمل نخواهد کرد و به سطح قانون کار سال ۶۱ رضایت نخواهد داد، بلکه حتی قانون کار فعلی را نیز تامین کننده حداقت خواسته ای صنفی و سیاسی خود نمی داند و آنرا ناقض حقوق خویش می شمارد. طبقه سرمایه دارخواهان تغییر واصلاح قانون کار است. البته که طبقه کارگر ایران نیز خواهان تغییر قانون کار است. سرمایه داران می خواهند امتیازات بیشتری بگیرند، حقوق کارگران را بیش از پیش پاییم کنند و مناسبات خشن تر و استثمار شدید تر را قانونی کنند. کارگران هم خواهان حقوق سیاسی و صنفی خویش اند. کارگران خواهان قانون کاری هستند که دستاوردهای مبارزاتی طبقه کارگر و استانداردهای بین المللی در آن ملاحظه شده باشد. طبقه کارگر ایران خواهان قانون کاری است که یامشارکت خود آنها و دخالت تشکل های واقعی کارگری تهیه شود.

بنابراین مبارزه برس قانون کار، کماکان یکی از عرصه های مهم مبارزه میان سرمایه داران و کارگران است. معهداً اپنچه رادر مور داین رودرورئی میتوان گفت این است که اگر سرمایه داران و مرتتعین به خودجرات دهنده و بطور واقعی وارد عملی کردن این جنبه از تعرض جدید خود گردند و فرضاً بخواهند کارگران را بسطح قانون کار سال ۶۱ عقب برانند، تردیدی نباید داشته باشد که اعتراضات

سرمایه داران بردارند، بلا فاصله توسط یک هیئت هفت نفره که ایضاً نقش اصلی را در آن مدیران و سرمایه داران بر عهده دارند، منحل خواهند شد. بنا بر این قانون کار رژیم به لحاظ رعایت و به رسمیت شناختن حقوق سیاسی و صنفی کارگران به منتهی درجه ارجاعی و زورگویانه است و از تمامی جهات معطوف به بی حقی مطلق کارگران، معطوف به استثمار خشن کارگران و معطوف به سلطه مطلق سرمایه داران و مرتتعین است.

با اینهمه از آنجا که اشتغالی سیری ناپذیر و بغايت پرستی سرمایه داران را حド مرزی نیست، هم اکنون در صدد آن برآمده اندتا به کمک کارگران سازمان تعزیز دیگری را در این زمینه علیه کارگران خویش دهند. چنین است که اکنون چندین ماه است زمزمه هائی را در ضرورت بازبینی و تغییر همین قانون کار ارجاعی، همین قانون کاری که پایمال کننده ابتدائی ترین حقوق کارگران است، همین قانونی که منافع و سلطه سرمایه در بند بند آن تضمین شده است نیز آغاز کرده اند. در میان اعضای دولت در محافل سرمایه داران، در میان صاحبان صنایع و مدیران، همه جا صحبت از تغییر قانون کار است. مجلس ارتجاع نیز دریکی از جلسات غیرعلنی خود، رسماً به بررسی و ارزیابی قانون کار از زاویه تاثیرات آن در اشکالات پدیدار مده در صنایع و مسئله رکود و بیکاری پرداخت. این روند عجالتاً تا آنجا پیش رفته است که بگفته محجب دبیر کل خانه کارگر، عده ای پیش نویس جدیدی را نیز برای قانون کار تهیه و تدوین کرده اند.

واقعیت این است که هم اکنون رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر بحران حاد سیاسی، در چنگال یک بحران عمیق و لایحل اقتصادی گرفتار است. اوضاع اقتصادی به چنان درجه ای و خامت رسیده است که سران رژیم خودشان هم نه فقط از اقتصاد بیمار سخن گفته، بلکه به ورشکستگی شدید مالی رژیم نیز اعتراض کرده اند. رژیم حتی برای گذران امور روزمره خود هم به قرضه های رنگارنگ خارجی و داخلی روی آورده است. رکودواز هم گسیختگی اکثر بخش های تولیدی و صنعتی را فرا گرفته و نظام اقتصادی را بر استانداره هم پیش از قرارداده است.

سرمایه داران و مرتتعین همواره از چنین شرایطی به نفع خویش و به حداقل، بهره برداری کرده و می کنند. همه کارگران شاهدند که چگونه کار فرمایان و صاحبان صنایع با توصل به بهانه های مختلف کارخانه هارا تعطیل و گروه های وسیعی از کارگران را از کار بیکار کرده اند. سرمایه داران با استفاده از این شرایط نه فقط به مطالبات کارگری از جمله مسئله افزایش دستمزدها که خواست عمومی کارگران است پاسخ مثبتی نمیدهد، بلکه حتی حقوق و مزایایی کارگران مشغول بکار را نیز بستر کامل و به موقع نمی پردازند و در یک کلام برشدت فشار اکار و استثمار کارگران افزوده اند. معهداً سرمایه داران و مدیران کارخانه ها، به اخراج های دسته جمعی و بیکار سازهای وسیع و گسترشده و زدن از حقوق و مزایای کارگران و خلاصه تشديد فشار کار و استثمار کارگران قانع نیستند. آن را در همان حال که تقصیر و ضعیت موجود را مستقیم و غیر مستقیم برگردان کارگران می اندازند، موقعیت را مناسب یافته اند تا در جریان تعریض خویش علیه کارگران، بعرضه تغییر قانون کار بخواهی که متفق نیست بیشتری را برای آنان تامین کند، قدم نهند تا کارگران را گامی به عقب برانند.

اگر در شرایط و توانزن قوای معینی در سالهای ۶۱ به بعد سرمایه داران و مرتتعین نمی توانستند

← سرانجام از اسفند ۶۹ قانون کار فعلی رژیم بمحله اجرا گشته است.

توازن قوای طبقاتی آیا اجازه پیشروی به مرتعین و سرمایه داران را خواهد داد؟

قانون کار رژیم، قانونی که نزدیک به ده سال از تصویب و اجرای آن میگذرد، قانونی است بغايت ارجاعی که در آن فقط اساسی ترین خواستهای سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر پایمال شده، بلکه حتی نزمهای معمول در کشورهای سرمایه داری در زمینه حقوق پایه ای کارگران نیز زیر پا گذاشته شده است. برای نمونه در قانون کار رژیم، تعیین حداقل دستمزد بر عهده شورای عالی کار قرار گرفته است که علا در دستمزد سرمایه داران است و کارگران نمی توانند آن نقشی داشته باشند. نتیجه تصمیمات و عملکرد این شورا، کارگران در طی این سالها با گوشت و پوست خود لمس کرده اند. حداقل دستمزدی که این ارگان بدانی کارگران تعیین کرده است، نه با افزایش قیمتها و رشد نرخ تورم همراهی داشته است و نه بویژه با نیازهای کارگران. دستمزدهای فعلی کارگران، به اعتراف مقامات و ارگان های وابسته رژیم پاسخگوی حتی یک سوم نیازهای هزینه های زندگی کارگران هم نیست. در قانون کار رژیم، ساعت کار کارگران نیز هیچ محدودیتی ندارد، اضافه کاری به رسمیت شناخته شده است. در این قانون کار، از حداقل امکانات رفاهی، بینه درمانی، از کار افتادگی و امثال آن خبری نیست. امنیت شغلی، بیمه بیکاری، امکانات بهداشتی و اینمی در این قانون جایگاهی ندارند. کار فرما، به بهانه های مختلف میتواند کارگر را اخراج کند و اگر اختلاف میان کارگر و کارفرما ایجاد شود، تصمیم گیری و قضایت در این مورد به هیئتی^(۳) و اکنار شده است که نقش اصلی در آن را سرمایه داران و دولت آنها بر عهده دارد. در قانون کار جمهوری اسلامی کارگران از حق اعتساب و حق ایجاد شکل های مستقل خویش محروم اند و از آن منع شده اند و در عوض ارگان های پلیسی و فاداری شان را به قانون اساسی اینچن های اسلامی و شورا های اسلامی کار بر کارگران تحمیل شده است. شوراهایی که اعضاء آن بایستی اعقاب انتظامی خود را به این تحریکات آورده اند. رکودواز هم گسیختگی اکثر بخش های تولیدی و صنعتی را فرا گرفته و نظام اقتصادی را بر استانداره هم پیش از قرارداده است.

سرمایه داران و مرتتعین همواره از چنین شرایطی به نفع خویش و به حداقل، بهره برداری کرده و می کنند. همه کارگران شاهدند که چگونه کار فرمایان و صاحبان صنایع با توصل به بهانه های مختلف کارخانه هارا تعطیل و گروه های وسیعی از کارگران را از کار بیکار کرده اند. معهداً سرمایه داران با استفاده از این شرایط نه فقط به مطالبات کارگری از جمله مسئله افزایش دستمزدها که خواست عمومی کارگران است پاسخ مثبتی نمیدهد، بلکه حتی حقوق و مزایایی کارگران را از کار بیکار کرده اند. سرمایه داران و مدیران کارخانه ها، به اخراج های دسته جمعی و بیکار سازهای وسیع و گسترشده و زدن از حقوق و مزایای کارگران و خلاصه تشيد فشار کار و استثمار کارگران قانع نیستند. آن را در همان حال که تقصیر و ضعیت موجود را مستقیم و غیر مستقیم برگردان کارگران می اندازند، موقعیت را مناسب یافته اند تا در جریان تعریض خویش علیه کارگران، بعرضه تغییر قانون کار بخواهی که متفق نیست بیشتری را برای آنان تامین کند، قدم نهند تا کارگران را گامی به عقب برانند.

آنها، همکاری با مدیریت و ارائه اطلاعات بآن، به همکاری با انجمن های اسلامی موظف شده اند. شورا های اسلامی کار، در ارتباط تنگاتگ با انجمنهای اسلامی که خودزیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی اداره میشوند وظیفه شان تشدید فشارهای سیاسی در محیط کارخانه، برگزاری جلسات وعظ، برپایی نماز جماعت، امر معروف ونهی از منکرو امثال آن است، در امر مبارزه و فعالیت کارگران، کارشکنی میکنند و عمل در خدمت سرمایه داران و کار فرمایان قرار دارند. با اینهمه همین شوراهای اسلامی کارکه ارگان های جاسوسی رژیم در محیط کارخانه محسوب میشوند، هر آینه بخواهند گامی خلاف وظائف تعیین شده خود و منافع رژیم و منافع رژیم

دست بالارا دارد، هیچگونه مخالفت از هیچ ناحیه‌ای را تحمل نمی‌کند. همین‌ها که از هیچ تلاشی برای پیشبرد سیاست‌های اعلام شده خویش فروگزار نکرده‌اند، هم اکنون نیز برطبق یک برنامه تدارک دیده شده، سرگرم قلع و قمع و خاموش‌ساختن همه مخالفین و معترضین‌اند. بدیهی است داشتگاه نیز که علی‌العموم یکی از مراکز روشنفکری و شکلگیری اعتراض است، از قشم اینها نماند.

داشتگاه، برغم سرکوبهای مکرر در عرض این سالها، عموماً معارض بوده است. اعتراضات دانشجوئی در سالهای اخیر گسترش چشمگیری داشته است. نتایج سیاسی شکست خانمایی و طرفداران ذوب در ولایت تقيه، تاثیرات مستقيم و بلاوطه‌ای بر جنبش دانشجوئی گذاشت. در یکسال و نیم اخیر، جنبش اعتراضی دانشجوئی گامهای بجلو برداشت و رو به اعتلا نهاد. اعتلاً جنبش دانشجوئی در عین حال ایده‌استقلال تشکل‌های دانشجوئی را فرآگیر ساخت و کوشش هائی را نیز در زمینه پایه گذاری چنین تشکلهایی در پی داشته است. مطالبات آزادی خواهان و ضداستبدادی دانشجویان عمق و گسترش پیشتری یافته است. اعتراض دانشجوئی اینجا و آنجا و با طرح شعارهای نظیر مرگ بر استبداد، مرگ بر فاشیسم، مرگ بر طالبان و شعارهای دیگری که مبین خواست‌انحلال مجلس و محدودیت اختیارات ولی فقیه‌وزیرسُوال بردن حکومت اسلامی و نظام ولایت فقیه است، هر روزه تکرار می‌شود. ارتاج حاکم اعتراض و انتقاد را تحمل نمی‌کند. پس اگر در اینجا و در داشتگاه هم زبانی به اعتراض‌گشوده می‌شود، آن زبان را فوراً باید برد! بویژه آنکه اوضاع در بیرون از داشتگاه هم متلاطم است. حال چه کسی می‌تواند بهتر از نیروهای خود سپاه پاسداران، سخنان فرمانده سپاهار به مرحله اجرا بگذارد و این زبان را ببرد؟ چنین است که مجلس ارتاج هم جواز رسمی اعزام نیروهای سپاه به داشتگاه‌اصلادار می‌کند تا یکه مخصوصین شمشیر کشیدن، زبان هرگزی را که جرات کند به اعتراض و انتقاد سخنی بگوید، از حلقوش در آورند!

ارتاج حاکم دشنهای را در دست سپاه می‌گذارد، تا سپاه هم با گذاشت این دشنه برگلی داشتگاه، آن را خاموش کند. اما تجربه ۲۰ ساله حکومت اسلامی براین‌روش‌ها و ترفندها مهر بطلان زده و بر این واقعیت صحه می‌گذارد که ارتاج اسلامی نخواهد توانست صدای داشتگاه را خاموش کند. جمهوری اسلامی در "انقلاب فرهنگی" سال ۵۹ خود، هزاران تن از کمونیست‌ها و سایر دانشجویان و اساتید انقلابی و مبارز را کشتار و قلع و قمع کرد، اما این اقدام فجیع برگم ضایعات بزرگی که در پی داشت، تکلیف اعتراض داشتگاه را یکسره نکرد! ده سال بعد در سال ۶۹ رژیم جهت تداوم سیاست‌های سرکوبگرانه خود، بسیج دانشجوئی راسازمان داد، اما این بار نیز "نتیجه مطلوب" حاصل نشد! در سال ۷۵ بار دیگر مسئله اسلامی کردن داشتگاه را از جانب خامنه‌ای مطرح شد و دستگاه‌های سرکوب و فشار با جدی و فشار بیشتری، اسلامی کردن داشتگاه و خاموش ساختن صدای اعتراض آن را در دستور کار خویش قرار دادند، اما این هم حاصل شد. رضایت بخش نبودو نتیجه دندان گیری نداشت.

بدون شک تردد جدیرزیم، طرح گسترش بسیج دانشجوئی و گسترش میلیتاریسم در داشتگاهها نیز، بجائی نخواهد رسید و نمی‌تواند مانع از طرح خواسته‌ای آزادی‌خواهانه دانشجویان گردد و صدای داشتگاه را خاموش کند!

جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است و با این ترفندها نمی‌تواند خود را نجات دهد. طرح جدید و

فکر بسیجی "هیچگونه مخالفتی ندارند، که آن را عامل مصوّبیت در برابر حملات فرهنگی" (۳) هم میدانند. اعتراض و مخالفت‌ایها بین‌سیاست است که جناح‌رقیب‌ازین طریق یعنی از طریق مداخله در امور داشتگاه، نفوذ خسوس‌خودش را تقویت و تحکیم و آنها را تضعیف می‌کند. نگرانی اصلی آنها "انحصاری" (۴) شدن داشتگاهها، محدودیت و قیچی‌شدن پرپولال خودشان است.

بنابراین موضوع فقط در عبارت‌اند جناح‌های رقب خلاصه نمی‌شود. ارتاج حاکم، هدفی فراتر از این دارد. هدف، مداخله نظامی گسترده تو سرکوب سیستماتیک تر و هم‌جهانی تراست. مسئله، خفه کردن هرگونه صدای آزادی خواهی و سرکوب هرگونه اعتراضی علیه استبداد و ولایت فقیه است. هدف، گسترش فضای سرکوب و اختناق در تمامی زوایای جامعه و ترساندن کارگران، داشتگاهیان و عموم توده های مردم است. بسیج دانشجوئی و فعالیت‌های سرکوبگرانه و ضد داشتگاهی آن موضوع تازه ای نیست. این تشکیلات جاسوسی وابسته به سپاه پاسداران، از هشت سال پیش و طبق مصوبه "شورای عالی انقلاب فرهنگی" (۵) رژیم، مشغول فعالیت بوده است. مسئله این است که برغم همه تلاشهای رژیم، بسیج دانشجوئی در آن چارچوبها و محدودیت‌های سابق توانسته است "نشق مطلوب" (۵) مورد نظر حامیانش را در تامین رضایت ارتاج حاکم‌ایفا کند و اکنون می‌خواهادین فعالتهای بطریک‌گسترده تر و سیستماتیک تر پیش ببرد و در این زمینه هیچ حد مرزی را به رسمیت نشناشد.

مسئلۀ سیاسی بسیج دانشجوئی داشتگاه تهران در این مورد میگوید "مقام معظم رهبری بصراحت فرموده اند که کار بسیج حکومتی نمی‌شناسد" و کارمن باصطلاح نماینده اصفهان در مجلس که از طراحان اصلی این طرح هم هست میگوید "بسیج در بحث فرهنگی حفاظت دستاوردهای انقلاب اسلامی و در بحث سیاسی هم دفاع از تدبیر و لی فقیه را بر عهده دارد" (سلام ۱۴ آبان ۷۷ تاکید از ماست) هنوز یک ماه هم از تصویب این طرح در مجلس نگذشته بود که بسیج دانشجوئی داشتگاه یزد بیانه صادری کند و در راستای اجرای فریضه عظیم نهی از منکر و فرامین مقام معظم رهبری" نسبت به چاپ عکس چند زن در صفحه اول فلان روزنامه (ایران) اعتراض می‌کند و ضمن تهدید، برای توجیه عمل خود به مصوبه دیگر مجلس مبنی بر "عدم استفاده از بارزی از زنان" نیز استاد می‌شود. روزنامه رسالت _ ۹ آبان ۷۷ و مراجعت دیگری پیش از این شد و همیشگی آن، سیاست سرنیزه داشت. سیاست گردن زدن و زبان بردین است. رژیم‌ولایت فقیه یک‌اندره نجات خویش را در سرکوب و اختناق بیشتر می‌جوید. این سیاست اسلامی شده جناح مسلط حکومتی است که رژیم دارد آن را در همه ابعاد جوانب مختلف جامعه پیش میرد و اجرا می‌کند. این سیاست، یک‌روزه‌در سرکوب و دستگیری کارگران، در حبس و کشتار فعالین کارگری بارز می‌شود، یک‌روزه در دستگیری و حبس نویسندهان. یک روزه‌رقرق خیابانها و حمله به زنان و اهانت به آنها خودرا نشان میدهد، روزه‌یک‌گر در حمله به دفاتر روزنامه ها و مطبوعات و تعطیل آنها، یک‌روزه‌در بودن، شکجه کردن و ترور فعالین و مخالفین سیاسی رژیم تجلی می‌یابد، روزه‌یک‌گرد راعز از نیروهای سپاه به مراکز آموزش عالی و مختنق تر کردن داشتگاهها! شکی نیست که یکی از اهداف طرح توسعه بسیج دانشجوئی، این تعریض جناح مسلط حکومتی، کوتاه کردن دست تشکلهای وابسته به جناح‌های رقیب از داشتگاه‌ها و کاستن از نفوذ آنهاست. جناح مسلط حکومتی همان‌طورکه در سایر عرصه‌ها متدرج و مداوماً جریان‌های حامی خاتمی را به عقب نشینی و ادانته است، در داشتگاه نیز که یکی از مراکز حساس جامعه‌است و فعل و افعال و تحولات آن به سرعت در سایر سطوح جامعه بازتاب می‌یابد، همین هدف را تعقیب می‌کند. از همین زاویه هم هست که طرح گسترش بسیج دانشجوئی، با غرو لدنا، اعتراض‌ها و مخالفت‌های ازسوی جریان‌های حامی خاتمی نیز روپروردیده است. معهداً اینها نه فقط با بسیج و گسترش فعالیت‌های آن و با "طرز

دشنه سپاه بر گلوی دانشگاه!

دانشجوئی" ارگانی بنام "شورای عالی هماهنگی و پشتیبانی بسیج دانشجوئی" (۱)، وظیفه پیشبرد این طرح را بر عهده دارد. همچنین بموجب تبصره ۲ این قانون، در هر داشتگاه یا مراکز آموزش عالی، ستاد هماهنگی و پشتیبانی بسیج دانشجوئی و نظارت بر حسن اجرای امور (۲) پیگردی دانشجوئی و نظارت بر حسن اجرای اموری (۲) پیگردی مصوبات شورای فوق الذکر و نظارت بر اجرای امور را بر عهده دارد. در زمینه‌هادف طرح یادشده، از جمله تبصره های سوم و ششم آن به ترتیب چنین گفته شده است. "طرح گسترش بسیج دانشجوئی، بهمنظور مشارکت بیشتر دانشجویان و اساتید بسیجی در امور فرهنگی، اضباطی داشتگاهها و مراکز آموزش عالی خواهد بود" و "طرح گسترش بسیج دانشجوئی بمنظور نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های ریزی هماهنگ و نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های داشتگاهها و مراکز آموزش عالی تحت امر نیروی مقاومت بسیج تشکل می‌گردد". لازم بذکر است که کلیدموسیسات دولتی و نهادهای داشتگاهی به همکاری و حمایت از فعالیت‌های بسیج دانشجوئی مقید و موظف شده‌اند.

همان‌طورکار نقل قول‌های فوق هم بروشند و بی هیچ نیازی به توضیح پیداست، طرح گسترش بسیج دانشجوئی، این دست پخت جدید مجلس ارتاج

چیزی نیست جز صدور مجوز رسمی و قانونی به منظور گسترش میلیتاریسم و تقویت دستگاه سرکوب و جاسوسی در مراکز دانشجوئی به هدف کنترل بیشتر دانشجویان و در نهایت خاموش کردن داشتگاه‌ها! اکنون بر هیچکس پوشیده نیست که سیاست عمومی حکومت اسلامی و جناح مسلط آن در برای تحولات جامعه و در برای مطالبات و جنبش‌های اعتراضی توده مردم، تشدید سیاست شناخته شده و همیشگی آن، سیاست سرنیزه داشت. سیاست گردن زدن و زبان بردین است. رژیم‌ولایت فقیه یک‌اندره نجات خویش را در سرکوب و اختناق بیشتر می‌جوید. این سیاست اسلامی شده جناح مسلط حکومتی است که رژیم دارد آن را در همه ابعاد جوانب مختلف جامعه پیش میرد و اجرا می‌کند. این سیاست، یک‌روزه‌در سرکوب و دستگیری کارگران، در حبس و کشتار فعالین کارگری بارز می‌شود، یک‌روزه در دستگیری و حبس نویسندهان. یک روزه‌رقرق خیابانها و حمله به زنان و اهانت به آنها خودرا نشان میدهد، روزه‌یک‌گر در حمله به دفاتر روزنامه ها و مطبوعات و تعطیل آنها، یک‌روزه در بودن، شکجه کردن و ترور فعالین و مخالفین سیاسی رژیم تجلی می‌یابد، روزه‌یک‌گرد راعز از نیروهای سپاه به مراکز آموزش عالی و مختنق تر کردن داشتگاهها! شکی نیست که یکی از اهداف طرح توسعه بسیج دانشجوئی، این تعریض جناح مسلط حکومتی، کوتاه کردن دست تشکلهای وابسته به جناح‌های رقیب از داشتگاه‌ها و کاستن از نفوذ آنهاست. جناح مسلط حکومتی همان‌طورکه در سایر عرصه‌ها متدرج و مداوماً جریان‌های حامی خاتمی را به عقب نشینی و ادانته است، در داشتگاه نیز که یکی از مراکز حساس جامعه‌است و فعل و افعال و تحولات آن به سرعت در سایر سطوح جامعه بازتاب می‌یابد، همین هدف را تعقیب می‌کند. از همین زاویه هم هست که طرح گسترش بسیج دانشجوئی، با غرو لدنا، اعتراض‌ها و مخالفت‌های ازسوی جریان‌های حامی خاتمی نیز روپروردیده است. معهداً اینها نه فقط با بسیج و گسترش فعالیت‌های آن و با "طرز

اطلاعیه**جمهوری اسلامی دو تن از رهبران****حزب ملت ایران را تور و کرد****مکان قانون کارد****پیکار کار علیه سرمایه**

وسيع و گسترده اى را نيز در ميان کارگران دامن خواهند زد . در برابر تهاجمي که توسيط سرمایه داران تدارک و زمينه چيزي شده است، حتی کارگران مشکل در تشکلهای وابسته به حکومت ظظير خانه کارگرو شوراهای اسلامی کار نيز عکس العمل هاي تندی نشان داده و هرگونه تعرض به قانون کاررا محکوم و تاكيد کرده اند که با اين لالشها بمقابله خواهند پرداخت . وقتی عکس العمل تشکلهای کارگری وابسته به رژيم چنین است ، عکس العمل اکثریت عظيم کارگران که عليه تمamicit رژيم واساسا برای نابودي نظام حاكم مبارزه ميکنند معلوم است . طبقه کارگر در برابر زورگوئي سرمایه داران خواهد ايستاد . جنبش اعتراضي کارگری ، آنهم بر بستر نارضایتي عميق تode اى بویژه بربست اعتراضات فعلاً موجود و در حال گسترش کارگری، بدون شک از حد اصلاح و تغيير قانون کار و چار چویهای قانونی فراتر خواهد رفت . در جريان اين رودرورئي، در جريان مبارزه کارگران عليه سرمایه داران ، نبرد طبقاتي به مراحل حادتر و عالي تر گذر نموده و به نبردي علية كليت رژيم، عليه طبقه مجموعه مناسبات و روابطي که تضمین گر سلطه سرمایه است، فرا خواهد روئيد . طبقه کارگر که خواهان براندازی نظام استثماري است، با شور و حرارت به استقبال اين نبرد می شتابد چرا که پيروزی در اين مصاف ، از آن کارگران است . در اين پیکار سرنوشت ساز، طبقه کارگر چيزی را ازدست نمي دهداما دنيائي را فتح خواهد کرد .

زيرنويس ها:

- ۱_ هم اکنون نيز اين موضوع بشکل ديگري انجام ميشود و هزاران شركت قراردادي و پيمانکاري که در سرتاسر کشور فعل اند، درازا بكارگاري کارگران در ساير شركتها و واحدهاي تولیدي، تا ۵۰% مستمزد کارگران را خود به جب مي زند.
- ۲_ شوري عالي کار تشکيل شده استاز ۳ نماینده دولت (وزيرکار يا معاون او و دو نفر به پيشنهاد وزير کار و تصويب هيئت وزيران) ۳ نفر نماینده کارفرمایان و ۳ نفرهم باصطلاح نماینده کارگران (که منتخب شوراهای اسلامی کاراند !)
- ۳_ اصل برآن است که کارگر و کار فرما برسر اختلافات خود به سازش يرسند . در مرحله بعدی، اختلاف از طريق يك شوري ۲ نفره مرکب از نماینده وزارت کار، نماینده کارفرما و باصطلاح نماینده اي که از طرف کارگران همان کارگاه انتخاب شده است . حل شود . اگر اختلاف در اين مرحله هم حل نشد، موضوع به هيئت حل اختلاف واگذار مي شود که اين هيئت مرکب است از ۳ نفر نماینده کار (فرومندار، رئيس دادگستری و رئيس اداره کار) ۳ نفر از طرف کارفرمایان و ۳ نفر هم از جانب کارگران (که اين افراد در اغلب موارد منتخب شوراهای اسلامی کار هستند)

عالی ذيربط و معاونت دانشجوئي فرهنگي دانشگاه . (همان منبع)

۲_ يك عضو شوري مركزي دفتر تحكيم وحدت مي گويد " بسيج و تفكير بسيجي عامل مصنونيت جامعه در مقابل بسياري از جملات فرهنگي است . . .

از سال ۶۹ تا حال هم مشكله برای توسعه حضور بسيج وجود نداشت است مسئله اين است که جريان سياسي خاصي در نظر داردا زاي طريق انگيزه هاي سياسي خود را در محيط دانشگاه پيش ببرد و تحكيم کند . اين طرح بيان گر انحصاری کردن دانشگاه است"

۳_ دفتر تحكيم وحدت در بيانه اى بمناسبت ۱۳ آبان در مورد بسيج دانشجوئي نوشته " بسط نهادهای غيرمستقل ووابسته بمراكز خارج دانشگاه و خصوصا نوع نظامي آن، موجی از نگرانی را در بين دانشگاه هاي مسلمان و آگاه برانگixa است .

زاويه برخورد و مخالفتما با توسعه و تشكيل بسيج در دانشگاه نيز از همین منظرو نه بعلت حضور يك تفکر و جريان فكري بلکه به سبب حاکمیت نظاميان

در دانشگاه ها و مراگز آموزش عالي ، مسئول و روحيه نظاميگري در کانون علم آموزنی است "

(سلام ۱۳ آبان ۷۷)

۴_ سلام ۱۴ آبان ۷۷ از قول مسئول سياسي بسيج دانشجوئي دانشگاه تهران و علوم پزشکي تهران

مي نويسد " مصوبه شوري عالي انقلاب فرهنگي در سال ۶۹ تامين کننده نيز هاي بسيج نبوده با

توجه به مشكلاتي که برای فعالیت گسترده تر بسيج و جودا شاست، بسيج دانشجوئي نمي توانست بطور مطلوب ايفاي نقش کند"

مدخله گسترده نظامي سپاه پاسداران در دانشگاه ، از هم اکنون با اعتراض و مخالفت دانشجويان روبرو شده است . دانشجويان انقلابي با برياني و تحکيم

تشکل هاي مستقل خويش و با تشديد و گسترش مبارزات خود، زير شعار اتحاد مبارزه پيروزی ، قادر خواهند بود تلاشهای سرکوبگرانه حکومت را

خنثی کند و آن را عقب بنشانند . در درون اين جنبش مبارزاتي، کمونيستها و سايننروهاي چپ و راديکال، با مشكل ساختن خويش در يك بلوک، قادر خواهند بود نقش مهمی در هدایت و راديکالينه

شدن اين جنبش ايقا کند ونه فقط دست سپاه را از دانشگاه کوتاه کنند، بلکه جنبش دانشجوئي را چندين گام به جلو سوق دهن .

زيرنويس ها

۱_ شوري عالي هماهنگي و پشتيباني بسيج دانشجوئي، مرکب است از وزاري آموزش عالي و

بهداشت، رئيس دانشگاه آزاد، فرمانده مقاومت در دانشگاه ها و مراگز آموزش عالي ، مسئول

بسیج، مسئول نهاد نمایندگي مقام معظم رهبری در دانشگاه ها و مراگز آموزش عالي ، مسئول

سايزمان بسيج دانشجوئي نيري مقاومت بسيج، يک عضو کميسين آموزش عالي مجلس و يک عضو

شوراي انقلاب فرهنگي . (سلام ۹ آبان ۷۷)

۲_ ستاد هماهنگي و پشتيباني بسيج دانشجوئي و نظارت بر حسن اجرای امور مرکب است از رئيس دانشگاه یاموسسه آموزش عالي ذيربط، فرمانده

بسیج منطقه (يا ناحيه) مسئول بسيج دانشجوئي دانشگاه يا مرکز آموزش عالي ، مسئول نمایندگي نهاد

مقام معظم رهبری در دانشگاه يا موسسه آموزش

است. کارگران موفق شده اند حول آزادی تشكل دست به حرکت بزنند. اخیرا یک هیئت نمایندگی کارگری متشكل از ۱۰ تن از کارگران رشته های مختلف تولیدی موفق شدند که به ملاقات رهبر زندانی یکی از اتحادیه های کارگری "دیتساری" که از جمله اعضا حزب ما نیز هست، بروند.

س_ جنبش توده ای در چه مرحله ای قرار دارد؟

* یکی از دستاوردهای مهم همانا، کنار رفت سوها رتو است. تحت تاثیر مبارزات توده ای، جو سیاسی دمکراتیزه شده است اما هنوز امکان تسلط نیروهای نظامی بر فضای حاصله جهت است. ما به طور یقین باید از فضای حاصله دغیر پسیج و سازماندهی توده ها استفاده کنیم در غیر اینصورت امکان بعقراندن توده ها و مبارزات آنها بسیار محتمل است.

جهت حفظ دستاوردهای تاکنونی و تامین شرایط لازم برای پیشرویهای آتی باید کلیه زندانیان سیاسی از آزاد گردند. نظامیان از قدرت خل شوند. آزادیهای سیاسی به طور واقعی تامین گردند. فراموش نکنیم کما حزب از جمله "حزب دمکراتیک خلق همنجان" غیرقانونی" هستند.

طی هفته های اخیر مبارزات تشید و تعمیق یافته است. این پرسوه به خوبی در مبارزات کارگری، دهقانی و دانشجویی آشکار است. اما متسانه هنوز در میان برخی نیروهای چپ از جمله "حزب دمکراتیک اندونزی" توهمناتی نسبت به حبیبی موجود است که مانع تشکیل یک بلوک مستحکم اتفاقی برای پسیج توده ای است. این یک واقعیتی است که مبارزات توده ها و خواستهای آنها رادیکالتر از برنامه و عملکرد برخی از احزاب چپ است. ما نیز به علت "غیر قانونی" بودن قادر به بکارگیری امکانات لازم جهت سازماندهی نیستیم. از همینرو یکی از اهداف کوتاه مدت ما مبارزه برای قانونی شدن حزب و فعالیت هایمان است.

از رویدادیگر در غیاب یک نیروی رادیکال متشكل، جریانات مرتاجع سعی در انحراف جنبش دارند. تلاش اخیر نیروهای اسلامی در دامن زدن به درگیریهای مذهبی در واقع جلوگیری از گسترش مبارزه ای است که پس از چند ماه مجدد اوج گرفته است. به طور مثال جنبش دانشجویی و حتی کارگری در مه سال جاری وارد کارزار شد و فاقه برنامه ریزی بود. اما پس از گذشت چند ماه توانست متشكل تر وارد صحنه شود و خواستهای وسیعتری را طرح نماید. در هراس از گسترش اینگونه مبارزات است که بنگاه سر و کله دستجات اسلامی پیدا نمیشود. تضادیین اسلام و مسیحیت علم میشود. کشثار به راه میافتد. مراکز تفریحی و سالنهای موسیقی و ... به آتش کشیده میشود. آنها آنقدر و قیحانه عمل میکنند که حتی "محمد رازق صاحب" رهبر چبه دفاع اسلامی FPI آشکارا اعلام کرد که "ما به نیرو های خود دستور دادیم تا از خروج کفار از مرکز خرید جلوگیری به عمل آورند". این عده در درون مرکز سر پوشیده به زور نگاه داشته شده اند تا در حرقیک کشته شوند. وقتی قضیه خلی اندکس یافت ادعا کردند که قصد آنها از این امر آن بوده که از حمله معترضین به این عده در خارج از مرکز خرید جلوگیری شود!

پهراج این سیاستها، اتفاقی نیست. این اتفاقات زمانی صورت میگیرد که مثلا ۱۴۴ نظامی به جرم شلیک به مردم به بنگاه کشیده شده اند. زمانی است که مبارزات کارگری و دانشجویی شدت گرفته است.

س_ مبارزات زنان را در حال حاضر چگونه ارزیابی می کنی؟

مصاحبه با یکی از فعالین جنبش دانشجویی اندونزی

س_ آیا در هنگام اسارتات، از گسترش اعترافات توده ای علیه رژیم سوها رتو مطلع بودی؟

* من از کانال مطالعه برخی روزنامه هادر جریان مبارزات تودها و گسترش آنها بودم. از درگیری و تظاهرات مطلع میشدم. زمانی که خواندم ۴ دانشجو در جریان تظاهرات کشته شده اند می دانستم که تحولی در شرف وقوع است. از نگهبان زندان شنیدم که قرار است راهپیمایی به سوی زندان صورت گیرد. پرخورد مسئولین زندان از سوی دیگر حاکی از آن بود که سرعت تحولات و تغییرات را درک نکرده بودند و گمان نمیگردند که سوها رتو بدان سرعت مجبور به کناره گیری شود. وقتی تحولات شتاب گرفت آنها به طرز زیونانه ای داماد سوها رتو و مسئول گارد ویژه ارتش را مسبب شکنجه زندانیان معرفی گردند. ما در زندان میدانستیم که هنگامی که قدرت حاکمه به قربانی کردن مهره ها و عنصر خود دست میزند، وظیفه خطیری در برایر ما قرار می گیرد. این وظیفه همانا زدودن توهمناتی است که آنها می افريشند.

س_ ارزیابی اتازرونده تحولات در اندونزی چیست؟

* حزب مامعتقد است که در حال حاضر "سوها رتو" نیسم بدون سوها رتو در اندونزی حاکم است. حبیبی یکی از طرفداران پرو پا قرص طایفه سوها رتو است که مدافعانه منافع همان قشر است. او با وعده و وعد و توهم پراکنی اعلام میدارد که با تزریق و اهانی صندوق بین المللی پول، قصد بهبود اوضاع اقتصادی را دارد. شعار میدهد که هنوز برخی از رهبران جنبش کارگری همنجان در زندانیان سیاسی را آزاد کرده است. در صورتی که هنوز برخی از رهبران جنبش کارگری همنجان در زندان اند. اخیرا حبیبی یک قانون مربوط به انتخابات را اعلام کرده است که به موجب آن ۵ کرسی پارلمانی بدون رای گیری به نظامیان تعلق میگیرد. کنترل و پیکرده فعالیت احزاب سیاسی و فعالیان همنجان در دستور کار قرار دارد. دوما پیش حبیبی از مردم خواست که برای وضعيت اقتصادی و خیم ترمیکردد. مردم به معنای کنند و ما خود را مدافع کمونیسم میدانیم. ولی بدیهی است که چنانچه به بحث حول اصول و مبانی پیردازیم، گرایشات متعدد قد علم میکنند. وضعيت فعلی حزب دمکراتیک خلق را میتوان اینچنین تعريف کرد: حزب با ترکیب نسل جوان، علیه میلیتاریسم و آشنا باید های کمونیستی چنانچه این آشنائی به تسلط به کمونیسم و مبانی آن منجر شود میتوان حزب را کاملا حزب کمونیستی نامید.

س_ قضیه "نایید" شدن ات چه بود؟

* روز ۱۳ مارس سال جاری حدود ده نفر با اونیفورم نظامی وارد خانه من شدند و مرا با خود برند. دو روز اول را در یک پایگاه نظامی گذراندم. شکنجه های متواتی اعمال شد. با کابل به جانم افتادند. میخواستند که از من بشنوند که من در جریان بمب گذاریها بوده ام. راجع به فعالیتها و فعالیت حزب دمکراتیک خلق اطلاعات میخواستند. هنگامی که شوک الکتریکی وارد میگردند سوال میکردند که چرا از مبارزات در شرق تیمور حمایت میشود. در مدت دو روزی که در آنجا بودم صدای چندین نفر دیگر را نیز می شنیدم. حدودا صدای ۷-۸ نفر قابل تشخیص بود. آنها هم زیر شکنجه مثل خود من داد و فریاد میزندن. پس از دور روز به مرکز دایره سیاسی منتقل شدم. در آنجا ظاهرا سعی میشد، "به طور قانونی" عمل شود و حکم دادگاهرا داشت. در آنجا بهمن اعلام شد که من بطرق قانونی برای "جلوگیری از فعالیت اشرار" تصویب شده بود، دستگیر شدهام. در مجموع من مدت ۸۳ روز در اسارت بودم تا اینکه با گسترش مبارزات توده ای در ماه مه، آزاد شدم.

نکته دیگر تحمیل یکسری مطالبات به دولت حبیبی

Robby Hartono یکی از فعالین جنبش دانشجویی در اندونزی است که اوائل سال جاری دستگیر و زندانی شد. وی همچنین از هربران "حزب دمکراتیک خلق" PRD است. پس از آزادی، فعالانه به برپائی کارزاری تبلیغی علیه فشار و سرکوب در اندونزی پرداخت. او ضمن مسافرت به کشورهای اروپائی و برگزاری جلسات بحث و گفتگو، از اوضاع در اندونزی سخن میگوید. متن زیرچکیده مصاحبه ای است با او که جهت اطلاع خوشنده نشیره، درج میگردد.

س_ لطفاً نخست توضیحی در مورد حزب دمکراتیک خلق، اهداف و برنامه های آن در اختیار ما بگذار.

* حزب دمکراتیک خلق هنوز در حال حاضر یک سازمان زیرزمینی است که عمدتاً علیه میلیتاریسم در اندونزی مبارزه میکند. متأسفانه شرایط خفغان و دیکتاتوری و سرکوب عنان گسخته که طیدههای اخیر در اندونزی اعمال شده، زمینه و امكان سازماندهی را به حداقل ممکن رسانده بود. طی سالهای اخیر نسل جدیدی وارد میدان شده اند. این نسل جوان که چپ است با آیده های کمونیستی آشناست. اما متأسفانه تسلط کافی بر آن ندارد. از طرف دیگر دستگیری و اسارت رهبران "حزب دمکراتیک خلق" امکان تدوین میانی یک حزب کمونیستی را بسیار ضعیف و مشکل کرده بود. طی ماههای اخیر، که روزنه های برابر تنفس سیاسی ایجاد شده، ما شدیداً در تکاپوی بحث و تدوین مبانی حزب هستیم. ناگفته نماندکه چنانچه به مصالحه ها و نوشتہ های رهبران ما توجه کنید، آنها آشکارا خود را کمونیست را میگویند. کنند و ما خود را مدافع کمونیسم میدانیم. ولی بدیهی است که چنانچه به بحث حول اصول و مبانی پیردازیم، گرایشات متعدد قد علم میکنند. وضعیت فعلی حزب دمکراتیک خلق را میتوان اینچنین تعريف کرد: حزب با ترکیب نسل جوان، علیه میلیتاریسم و آشنا باید های کمونیستی چنانچه این آشنائی به تسلط به کمونیسم و مبانی آن منجر شود میتوان حزب را کاملاً حزب کمونیستی نامید.

س_ قضیه "نایید" شدن ات چه بود؟

* روز ۱۳ مارس سال جاری حدود ده نفر با اونیفورم نظامی وارد خانه من شدند و مرا با خود برند. دو روز اول را در یک پایگاه نظامی گذراندم. شکنجه های متواتی اعمال شد. با کابل به جانم افتادند. میخواستند که از من بشنوند که من در جریان بمب گذاریها بوده ام. راجع به فعالیتها و فعالیت حزب دمکراتیک خلق اطلاعات میخواستند. هنگامی که شوک الکتریکی وارد میگردند سوال میکردند که چرا از مبارزات در شرق تیمور حمایت میشود. در مدت دو روزی که در آنجا بودم صدای چندین نفر دیگر را نیز می شنیدم. حدودا صدای ۷-۸ نفر قابل تشخیص بود. آنها هم زیر شکنجه مثل خود من داد و فریاد میزندن. پس از دور روز به مرکز دایره سیاسی منتقل شدم. در آنجا ظاهرا سعی میشد، "به طور قانونی" عمل شود و حکم دادگاهرا داشت. در آنجا بهمن اعلام شد که من بطرق قانونی برای "جلوگیری از فعالیت اشرار" تصویب شده بود، دستگیر شدهام. در مجموع من مدت ۸۳ روز در اسارت بودم تا اینکه با گسترش مبارزات توده ای در ماه مه، آزاد شدم.

اعتراض به دعوت**دولت فرانسه از محمد خاتمی**

دها سازمان سیاسی و دمکراتیک بالراسال نامهای به رئیس جمهور فرانسه اعتراض خود را نسبت به دعوت دولت فرانسوز رئیس جمهور حکومت اسلامی ایران داشتند خواهان لغو سفر احتمالی وی به فرانسه شده اند.

در بخشی از این نامه گفته شده است:

"... ما برآئیم که دعوت از نماینده دولتی که مسئول قتل هزاران زندانی بی دفاع در تابستان ۱۳۶۷ و اعدامهای بی پایانی است که همچنان ادامه دارند، پشت کردن به ارزشهاست است که شهرت فرانسوز بعنوان مهد حقوق بشر موجب شده اند. ما یاد آورمی شویم که در تمامین دوران تور و وحشت حاکم برایران آقای خاتمی عضو هیئت دولت بوده و بویژه به هنگام اعدام های دسته جمعی تابستان ۱۳۶۷، او وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است. او هرگز این اقدامات جنایت کاراندرا محکوم نکرده و بر عکس لاجوردی، جلال زندانهای ایران را "سریاز و فادر اسلام و انقلاب" خوانده است. همچنین ما یاد آور میشویم که او رئیس جمهور رژیمی است که بالا ترین مقامات رهبری آن در دادگاه برلین بعنوان "اعلان مستقیم ترور مخالفین" خود در جارج از کشور محکوم شده اند...."

اسامی سازمانهای سیاسی، انجمن های دمکراتیک، نشریات و رادیوهایی که این نامه را امضای کردند اند به شرح زیر است:

آلمان

انجمن بیداری ایرانیان _ هانوفر
تلاش _ کانون حمایت از مبارزات مردم ایران _ کلن

جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران _ کلن

کانون پناهندگان سیاسی ایران _ برلین

کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران _ آخن

کانون سیاسی فرهنگی ایرانیان _ سویکائو

کانون مستقل سیاسی ایران _ لاپیزیک

کانون نویسندهای ایران (در تبعید)

مجموع ایرانیان آزادخواه و دمکرات _ مونیخ

مرکز فرهنگی ایرانیان _ هایلبرگ

مرکز فرهنگی ره آورد _ آخن

نشریه سینمای آزاد _ زاربروکن

دانمارک

رادیو پناهندگان _ کپنهاگ

سوئد

آسیل کمیته _ گروه ایران _ گوتنبرگ

انجمن نقد و پژوهش

رادیو پیک _ گوتنبرگ

رادیو ما و شما _ استکلهلم

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

کمیته دفاع از حقوق زنان در ایران _ استکلهلم

هیئت تحریریه آولی زن

هیئت مسئولین فرهنگ سراس اندیشه _ گوتنبرگ

کمیته دفاع از آزادی و مبارزه با تور و اختناق

سوئیس

شورای دمکراتیک ایرانیان مقیم سوئیس

کانون دمکراتیک ایرانیان مقیم سوئیس

فرانسه

نشریه آرش

وظیفه «هیئت هماهنگی تدارک تربیونال بین المللی» کدام است؟

و نمیتواند پاشد، قطعاً نتایج و خیمی در پی خواهد داشت و اگر همین مسیر ادامه یابد، پیش از آنکه اصلاً دادگاه تشکیل شود، از هم خواهد پاشید. دلیل آن هم روشن است. اگر این احساس در میان مخالفین جمهوری اسلامی پیدا آید و گسترش یابد که تربیونال میخواهد به یک سازمان سیاسی ایجاد آیین دارد دست لیبرالها و یا سازمانهای سیاسی دیگر تبدیل شود و در واقع، مسئله تشکیل تربیونال بین المللی به یک سو استفاده سیاسی تبدیل گردد، به سرعت اعتبار خود را از دست خواهد داد.

همان تشکلهای دمکراتیکی که برای تشكیل این دادگاه اعلام همکاری و حمایت نموده اند، یکی پس از دیگری خود را کثار خواهد کشید.علاوه بر این تربیونال به عرصه کشمکش سیاسی سازمانهای تبدیل خواهد شد که به نحوی در آنجا حضور دارند، و سرانجام این که چند نفری باقی خواهد ماند که وظیفه تعطیل تربیونال بین المللی را قبل از تشكیل آن عهده دار خواهد شد.

لذا تا دیر نشده هیئت هماهنگی تدارک تربیونال باید هرچه سریعتر مسیری را که تاکنون دنبال کرده تغییر دهد و به وظیفه اصلی خود یعنی تدارک تشكیل دادگاه بین المللی بازگردد. اگر هیئت هماهنگی تدارک همچنان میخواهد در نقش یک سازمان سیاسی ظاهر شود، باید این را صریحاً به مردم و همه تشکلهای که برای تشكیل دادگاه بین المللی پیش قدم شده اند بگوید، در آن صورت هر کس که تمايل داشت میتواند با آن همکاری کند و یا از آن حمایت نماید. اما این دیگر نام اش هیئت هماهنگی تدارک تشكیل دادگاه بین المللی نخواهد بود.

رونده حرکت هیئت هماهنگی تدارک تربیونال بین المللی در همین مدت کوتاهی که از تشکیل آن می گذرد، نشان میدهد که ازوظائف اصلی خود فاصله گرفته و در مسیر دیگری گام برداشته است. اصل قضیه از این قرار بود که یک دادگاه بین المللی سمبیلک با مداخله فعل مخالفین جمهوری اسلامی و جلب حمایت سازمانها و شخصیت‌های متعدد، دمکرات و انسان دوست در عرصه بین المللی تشکیل شود و چشتار دستیار صدها هزار تن از مردم ایران، اعدام، زندان و شکنجه دهها هزار تن از مخالفین، چشتار دستیاری می‌شود. سرکوب و سلب حقوق کارگران و زحمتکشان ایران، استنکری نسبت به زنان و پایمال کردن ابتدائی ترین حقوق انسانی آنها و سلب آزادی‌های سیاسی از عموم مردم ایران، به محکمه کشیده شود تا افکار عمومی جهان بیش از پیش در جریان جنایات بیشمار حکومت اسلامی قرار بگیرد. بنابراین روشی است که هیئت هماهنگی تدارک تربیونال بین المللی وظیفه‌ای جز این نداشته و ندارد که تدارک بزرگاری این دادگاه بین المللی را بینند. اما اطلاعیه ها و مواضع این هیئت تاکنون حاکی است که به جای وظیفه اصلی خود یعنی تدارک دادگاه، وظیفه دیگری در برابر خود قرار داده و در نقش یک سازمان سیاسی ظاهر شده است. بی در پی در مورد روی دادهای سیاسی ایران اطلاعیه صادر میکند، فراخوان به تظاهرات و گردهم آئی می‌دهد و ...

گام برداشتن در چنین مسیری که بهیچوجه در حیطه وظایف هیئت هماهنگی تدارک تربیونال نبوده

مصاحبه با یکی از فعالین جنبش دانشجویی اندونزی
* در اندونزی به جز سازمانها و گروههای زنان وابسته به سووارتو، بدليل خلقان از تشکلهای زنان و قاعده از مطالبات مشخص زنان اثر محسوسی نبود. بعد از برگزاری سووارتو از یک طرف روزنه های ایجاد شد که با توجه به آن، امکان تشکل یابی بود و از طرف دیگر فشار و سرکوب نظامیان علیه زنان زمینه بهمیدان کشیده شدن زنان حول مطالبات مشخص زنان را بوجود آورد.

هم اکنون تشکلی بوجود آمده است که عدتاً ترکیبی است از گرایشات مختلف چپ. یکی دیگر از مواردی که طی دو ماه اخیر توجه فراوانی را در داخل و خارج از اندونزی جلب کرده است تجاوز به زنان است. فعالین سیاسی زن جهت زدودن توهمات و افسا دولت حبیبی و نظامیان به پیگیری این موارد می‌پردازند و تاکنون در کشورهای اروپائی حمایت فراوان مادی و معنوی را جلب نموده اند. نکته قابل توجه در این تجاوزات نقش بارز نظمیان است.

همانگونه که میانند بسیاری از ارتشیان رده‌های پائین با گسترش مبارزات توده ای از شلیک به سوی متعرضین سرباز زندن. اسلحه به زمین گذاشتند و صفوی مردم پیوستند. یکی از شیوه های مجازات و تنبیه این عده، تجاوز به همسران یا خواهران این افراد است. ارتشیان با مراجعة به منازل این عده نخست اموال آنها را به غارت میبرند یا به آتش میکشند و زنان را مورد تجاوز قرار میدهند.

با توجه به این مساله بدیهی است که افشا و انعکاس این موارد، نقش زیادی در زدودن توهمات نسبت به حبیبی و نظمیان گوش به فرمان وی دارد.

کمک مالی به سازمان**یک وظیفه انقلابی است**

اخباری از ایران

اعتراض کارکنان مجتمع پتروشیمی
 روزنامه رسالت اعلام کرد که روز یکشنبه هفدهم آبان ماه، نمایندگان کارکنان قراردادی پتروشیمی بندرامام، برای پیگیری مشکلات همکاران خود، در مجلس حضور یافته مشکلات خویش را با برخاز نمایندگان در میان گذاشتند. یکی از نمایندگان کارکنان مجتمع پتروشیمی به خبرنگار روزنامه رسالت گفت: ۷۵۰ نفر از پرسنل این مجتمع پتروشیمی، مدت ۸ سال است که به صورت قراردادی کارمیکنند و برغم اینکه ۵۵ نماینده مجلس بهترین جمهور نامه نوشته‌اند ایشان هم دستور پیگیری داده اند، اما هنوز نتیجه ای حاصل نشده است." سرمایه داران و مسئولین دولتی مدتها است که کارگران این مجتمع را سرگردان نموده اند، مرتباً به آنها وعده ووعید می‌دهند، کارگران را به این طرف و آن طرف می‌فرستند، اما از استخدام آنان حتی بعد از ۸ سال کارسر بازمی‌زنند. این حق مسلم همه این کارگران و کارکنان است که به استخدام رسمی در بیانیه و از حقوق و مزایای استخدامی برخوردار گردند. کارگران فقط در سایه اتحاد و یکپارچگی خود و با تشدید مبارزه است که می‌توانند سرمایه داران را به عقب نشینی و ادارند و مطالبات خویش را متحقق سازند.

зорگوئی سرمایه داران

مدیریت شرکت کبریت فروزان مشهد، پس از تغییر مالکیت این شرکت، به بهانه "تغییر ساختارشرکت" اقدام به اخراج کلیه ۹۵ کارگر این شرکت نمود. کارگران اخراجی نسبت به این مسئله اعتراض کرده و با ارجاع دعوى خود به اداره کل کار خراسان، خواستار بازگشت به کارگران را صادر نمودند، رسیدگی، رای بهابقاً کلیه کارگران را صادر نمودند، مدیریت جدید شرکت، کارگران را وارد نمود تا قراردادهای جدیدی را امضا و شرایط مدیریت را پیذیرند. اکثریت کارگران این شرکت پس از پذیرش احباری این مسئله به سرکارهای خود بازگشتند و به تن از کارگران که هنوز زیر باراین زورگوئی و حق کشی مسلم نرفته اند، همچنان سرگردان و بلا تکلیف اند. قابل ذکر است که کارفرما از پرداخت حقوق کارگران درایامی کشورت بحالات بلا تکلیفی در آمده نیز خوبیاری نموده است.

اخراج کارگران ایران شکن

شرکت ایران شکن بابلسر، سازنده قطعات قطار، تعدادی از کارگران این شرکت را اخراج نمود. در حالی که گفته می‌شود این کارگران بخاطر آنکه خواستار تشکیل شورای اسلامی شده اند، اخراج شده اند، اما مدیر عامل شرکت این ادعا را رد کرده و گفت است که علت اخراج، عدم فروش قطعات تولیدی است!

کارخانه جهان چیز کرج تعطیل شد

صاحبان کارخانه جهان چیز کرج، پس از آن که مدتی کارگران این کارخانه را سرگردان نموده و در بلا تکلیفی نگاهداشته بودند، سر انجام این کارخانه را تعطیل و ۲۰۰۰ کارگر این کارخانه را از کار بیکار نمودند. قابل ذکر است که ۵۱ درصد سهام این کارخانه متعلق به بنیاد مستضعفان است

<

جمله چنین نوشتند: "ما کارگران شهرداری مورد ظلم قرار گرفتایم. حدود ۱۰ هزار نفرمara در عین قانونی از کار بر کنار کردند. از سال ۷۴ تا کنون پیگیر شکایت هایمان از شهرداری هستیم و در سال ۷۶ هم یک شکایت با ۲۰۰۰ امضا کارگران شاکی به شعبه ۲۶ دادگاه ارائه دادیم ولی رسیدگی نشد... تقاضا داریم این موضوع را که از سال ۷۴ زندگی حدود ۱۰ هزار کارگر را برهم زده آنها را از زندگی ساقط کرده است پیگیری نمائید تا حق مارا بدهند."

نامه اعتراضی کارگران شرکت کرمانت

بدستور مدیر کارخانه کرمانت کرمان، از ورود ۶۶ تن از کارگران به کارخانه ممانعت گردید. کارگران نسبت به این اقدام مدیر کارخانه اعتراض نموده و سپس بالراسال یادداشت اعتراض آمیزی به روزنامه ها، اعلام کردند که از تاریخ ۷۷/۷/۱ که مانع ورود آنها به کارخانه شده اند تا کنون بلاتکلیف اند و علیرغم مراجعه مکرر به اداره کل کار کرمان و وعده های مسئولین مربوطه، هیچ اقدام موثری برای حل مشکلات آنها بعمل نیامده است. این کارگران در انتهای نامه خود خواستار آن شده‌اند که به مشکلات آنها و ضعیت استخدامی شان رسیدگی شود.

جمع اعتراضی کارگران خانه سازی کرمان

کارگران خانه سازی کرمان، در اعتراض به تعویق پرداخت هشت ماه حقوق و مزایای خود، با تجمع در محل محل خانه کارگرکرمان، خواستار پرداخت حقوقهای عقب مانده و رسیدگی به مشکلات خود شدند. این کارگران که به علت خودداری کارفرما از پرداخت دستمزد با آنها، ماههای است که خودو اعضا خانواده شان به لحاظ معیشتی در شرایط دشواری بسربمی برند، برای دریافت حق و حقوق خود، مکرر به مقامات و مسئولین مربوطه مراجعه کردند، اما آنان جز وعده و عید چیزی به کارگران ندادند. یکی از کارگران در این مورد گفت: "هشت ماه تمام است که مدعیت مجتمع یاد شده، جمع زیادی از کارگران این موسسدرای اخراج کرده است و علیرغم صدور حکم از طرف هیئت حل اختلاف، مبنی بر بازگشت به کار آنان، معهداً از بازگشت این کارگران به سرکارهای خود ممانعت بعمل می‌آورند."

اعتراض در پارسیلوان

کارگران پارسیلوان در اعتراض به نحوه مدیریت شرکت و همچنین برای افزایش حقوق و مزایای خویش دستاز کارکشیدند. کارگران با برپائی یک تجمع اعتراضی در محوطه کارخانه، ضمن صدور یک بیانیه ۱۶ ماده ای خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. در این بیانیه، کارگران ضمن اشاره به اقدامات سرکوبگرانه مسئولین که زمانی خود را "حامي مستضعفان" قلمداد می‌کردند، از جمله چنین نوشتند: "حقوق و مزایای شرکت برای امراء معاشر ما کافی نیست و خواهان تجدید نظر در این خصوص هستیم. ما تقاضا داریم که بهره‌وری و سودسهام شرکت محاسبه بموقع پرداخت شود. برخورد مسئولان با کارگران به هنگام مشکلات، صحیح باشد. و ام مسکن با بهره کم در اختیار مقاضیان قرار گیرد... امکانات رفاهی لازم برای کارگران و خانواده‌هایشان فراهم گردیدو..."

جمع اعتراضی کارگران کارخانه آجر

کارگران کارخانه آجر عالی اصفهان، با برپائی یک تجمع اعتراضی در محل خانه کارگراین شهر، نسبت به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق خویش و همچنین اوضاع ناسامان این کارخانه که کارگران را به حالت بلاتکلیف اداخته است، اعتراض کردند. به گفته کارگران این کارخانه، در حالیکه روزانه ۲۰۰ هزار قالب آجر در این کارخانه تولید می‌شود و تمام آن به فروش میرسد، معهداً کارفرما از پرداخت حقوق کارگران امتناع نموده و بیش از ۴ ماه است که حقوق آنها پرداخت نکرده است.

جمع اعتراضی کارگران اخراج شده

روز یکشنبه دهم آبان، جمعی از کارگران اخراج شده مجتمع متالوژی پور ایران، با تجمع در محل روزنامه کار و کارگر، خواستار بازگشت به سر کارهای خود شدند. قابل ذکر است که حدود ۲ سال است که مدیریت مجتمع یاد شده، جمع زیادی از کارگران این موسسدرای اخراج کرده است و علیرغم صدور حکم از طرف هیئت حل اختلاف، مبنی بر بازگشت به کار آنان، معهداً از بازگشت این کارگران به سرکارهای خود ممانعت بعمل می‌آورند.

اعتراض کارگران دارو پخش ایران

کارگران دارو پخش ایران با ارسال یادداشتی به روزنامه ها نسبت به عدم پرداخت پاداش و بهره وری خویش، اعتراض کردند. کارگران در یادداشت اعتراضی خود از جمله نوشتند: "مدت ۸ ماه است پاداش و بهره‌وری ما کارگران شرکت دارو پخش را پرداخت نکرده اند" در انتهای این یادداشت اعتراضی، کارگران خواستار رسیدگی به به مشکلات خود شده‌اند.

نامه اعتراضی کارگران شهرداری

دو تن از کارگران شهرداری به نمایندگی از ۲۰۰۰ کارگر از مجموع ده هزار کارگران اخراجی شهرداری تهران، با ارسال یادداشتی به روزنامه ها، نسبت به اخراج حدود ۱۰ هزار نفر از کارگران شهرداری اعتراض کردند. کارگران در نامه اعتراضی خود از

۱۳۷۰ نشان میدهد که در سال ۳۵ تنها ۹/۶ درصد شاغلین کل کشور را زنان تشکیل میدانند که این نسبت در سالهای ۴۵ و ۵۵ به ۱۲/۲ و ۱۳/۷ درصد رسیده است. این رقم در سال ۶۵ به ۸/۸ درصد کاهش یافت و در سال ۷۰ تا ۹/۳ در صدایزش پیداکرده است!

یعنی جمهوری اسلامی درصد زنان شاغل را ظرف ۱۳ سال اولیه حکومت خود، به پائین تراز سطح ۳۵ سال قبل از آن تقلیل داده است!

همین بررسی حاکی از آن است که نسبت زنان مدیر و متخصص به کل شاغلان زن را نیز از ارقام بسیار ناچیزی تشکیل میدهد. بطوريکه در سال ۷۲، تنها ۹% شاغلان زن را مدیران و کارمندان عالی رتبه اداری تشکیل داده اند و نسبت متخصصان و کارشناسان و تکنیسین های علوم فنیکو شیمی ۲% و در امور اقتصادی و بازرگانی نیز ۲% دانان ۶%، قانونگذار و کارمند عالی رتبه ۱% بوده است.

اجازه نخواهیم داد!

جاسیوی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی که عضو شورای عالی "انقلاب فرهنگی" رژیم هم هست، در مراسم معارفه رئیس دانشگاه آزاد اسلامی اراك گفت با توجه به این که پوشش زنان با چادر در بسیاری از شهرها بعنوان حجاب برتر مطرح است، لذا اجازه نخواهیم داد دانشجویان این دانشگاه به بافت این شهرها لطفه وارد کنند. وی گفت کسانی که فکر میکنند با تغییر مدیرت دانشگاه آزاد اراك، رعایت حجاب برتر در این واحد الزامی نخواهد بود، سخت در اشتباہ هستند!

احضار وزیر آموزش عالی

وزیر فرهنگ و آموزش عالی رژیم دکتر معین، از سوی ده تن از نمایندگان مجلس برای پاسخگویی در مورد وقایع دانشگاه اهواز و عدم برخورد وزیر به دفتر تحکیم و حدتو دخالت های آن در این دانشگاه، به مجلس فرا خوانده شد. قابل ذکر است که نامبرده قبل از این دو بار در جلسه کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی مجلس حضور یافته و مورد سؤوال احضار کنندگان قرار گرفته بود، که پاسخ های وی قانون کننده تشخیص داده نشده بود. این بار نیز در تاریخ ۱۷ آبان در جلسه علنی مجلس ارجاع حاضر شد و در پاسخ به سؤوالات عده ای از این باصطلاح نمایندگان گفت: "همه تشکلهای دانشجویی اعم از دفتر تحکیم و حدتو، جامعه اسلامی و بسیج دانشجویان را فرزندان خود میدانم" وی از نمایندگان خواست مسائل ساده دانشجویی را بزرگ نکند! معهداً این بار نیز پاسخ های این وزیر مرجع نمایندگان مرجع را قانع نکرد و موضوع برای بررسی بیشتر به کمیسیونهای مربوطه ارجاع شد.

افزایش قیمت ها

قیمت یک کیلو گوشت از حدود ۱۱ هزار ریال به ۲۰ هزار ریال رسیده است. یک کیلو تخم مرغ از ۵۹۰ ریال به ۹ هزار ریال رسیده است. اوائل سال جاری می توانستی با ۱۵۰ ریال یک دانه تخم مرغ بخری، اواسط آبان ماه قیمت یک دانه تخم مرغ به ۳۰۰ ریال و اکنون در نیمه اول آذرماه به ۴۵۰ ریال رسیده است. بیاز هر کیلو به ۱۵۰ تا ۱۲۰ ریال رسیده است. یک دلار آمریکا در بازار آزاد سه شنبه ۱۹ آبان از مرز ۷۰۰ ریال هم گذشت و به ۷۱۰ ریال رسید.

آن همچنین با ارسال نامه سرگشادهای به وزیر نفت، ضمن اشاره به نا روشن بودن وضعیت استخدامی و عدم تضمین شغلی خود، خواستار آن شدند تا نامه ای را جهت حل هرچه سریعتر مشکلات و ارائه ضمانت شغلی به آبادان اعزام کنند. این دانشجویان تاکید داشتند تا زمانی که خواسته هایشان برآورده نشود، همچنان از رفتن به کلاسهای درس خود داری خواهند کرد. یکی از دانشجویان در زمینه عدم تضمین شغلی فارغ التحصیلان این دانشکده می گوید "فارغ التحصیلان این دانشکده، هیچ آینده روشنی ندارند زیرا اکثر آنان هم اینکه بیکار هستند".

جمعیت اعتراضی دانشجویان

نزدیک به هزار نفر از دانشجویان "دانشگاههای شهید بهشتی والزهرا" تهران "با برپائی یک تجمع اعتراضی در مقابل دفتر نهاد ریاست جمهوری، نسبت بداقدامات و تصمیمات مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی مبنی بر انتقال دانشجویان مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی به این دانشگاهها، اعتراض کردند. قابل ذکر است که این چندمین بار است که دانشجویان مذکور نسبت به این مسئله دست به اعتراض میزنند.

اعتراض دانشجویی در قم

اوائل آبان ماه دانشجویان دانشگاه قم، در اعتراض به شیوه های تدریس این دانشگاه ازورد به کلاسهای درس خودداری کردند. این دانشجویان در دومین روز اعتضاب خود، دست به یک راهپیمائی در محظوظ دانشگاه زدند و طی شعارهایی خواستار تعویض رئیس دانشگاه شدند. از آنجا که بعداز سپری شدن چند روز پاسخ مثبتی به مطالبات دانشجویان داده نشد آنان بار دیگر از اسیست آبان ماه دست به اعتراض زدند و از روز ۱۷ آبان بار دیگر دست به تحصن زدند. دانشجویان اعلام کرده اند تا رسیدن به خواست خود به تحصن ادامه خواهند داد و چنانچه مامورین دانشگاه وارد عمل شوند با آنان نیز برخورد خواهند کرد.

جمعیت اعتراضی

دانشجویان دوره شباهنده
دهها تن از دانشجویان دوره شباهنده "دانشگاه امام خمینی" روز دهم آبان در برابر ساختمان مرکزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی رژیم، تجمع کرده و نسبت بدافتایش میزان شهریه ها دست به اعتراض زدند. این دانشجویان شهریه ها دست به تحصن دارند. این دانشجویان همچنین خواستار ارائه خدمات و امکانات رفاهی مناسب شدند.

- همچنین دانشجویان دوره شباهنده دانشگاه تربیت معلم سیزوار، با تهیه و امضا طوماری که آن را برای روزنامه هارسال کردند، نسبت به این مسئله اعتراض نمودند. این دانشجویان همچنین در نامه ای به وزارت فرهنگ و آموزش عالی نسبت به این مسئله ابراز نا رضایتی کرده و خواستار پاسخگویی و توضیح شدند. قابل ذکر است که دولت در نظر دارد بین ۱۰۰ تا ۱۷۰ درصد بر میزان فعلی شهریه دانشجویان اضافه کند.

تعیض در یک نگاه

طبق یک بررسی آماری که در روزنامه کارو کارگر ۱۶ آبان ۷۷ به چاپ رسیده است، بررسی نسبت زنان به کل شاغلین کشور، طی سالهای ۱۳۲۵ تا

که دزد بزرگی به نام رفیق دوست در راس آن است و بقیه آن متعلق به سازمان گسترش صنایع ملی ایران و بانک ملی ایران میباشد. صاحبان کارخانه به بهانه بدھکاری و نبود مواد اولیه، فعالیت کارخانهای متوقف ساخته و در عمل موجبات بیکاری و سرگردانی هزاران کارگر گزحمتکشان این کارخانهای فراهم و سبب خامت بیش از پیش اوضاع میشوند و گرسنگی متجاوز از ۱۵۰۰ نفر از اعضاء خانواده های کارگران شده اند.

حقوق کارگران را پرداخت نمی کنند!

در گزارشی که روز هفدهم آبان، یکی از اعضاء کمیسیون کار مجلس رژیم، در مورد مسائل و مشکلات کارگری به سایر اعضاء این کمیسیون ارائه کرد، اعتراف نمود که "جمع زیادی از کارگران در واحدهای تولیدی تهران چند ماه است که حقوق دریافت نکرده و خانواده های آنان دچار مشکلات معیشتی شده اند". در همین رابطه دبیر کل خانه کارگر در جای دیگری گفت، در سال جاری ۲۹۲ واحد تولیدی با مشکل پرداخت حقوق کارگران مواجه شده اند! بنا به اعتراف یکی از شماره های روزنامه رسالت در آخر آبان ماه، حقوق بیش از ۴۰۰ هزار تن از کارگران پرداخت نشده است.

رکود و بیکاری

- مدیر کل صنایع کرمانشاه گفت ظرف چند سال اخیر ۶۸ واحد تولیدی این استان که از جمله در زمینه تولید مواد غذایی، موکت و فیلتر فعالیت می کرده اند، تعطیل و کارگران آن بیکار شده اند.

- یک مقام مسئول فرماداری کرج گفت از مجموع ۵۵۰ واحد صنعتی مستقردر شهرک اشتهرار، ۵۵۰ واحد به دلایل گوناگون در حالات رکود سرمیرند.

- مدیر کل کارو امور اجتماعی استان تهران اعلام کرد در شرایط حاضر بیش از ۵۲۴ هزار نفر در سطح استان برای کاریابی ثبت نام کرده اند که بیش از ۸۴ هزار نفر آنان دارای درک دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا هستند.

- مسئول روابط عمومی کارو امور اجتماعی گیلان گفت بیش از ۱۰۰ هزار نیروی فعال این استان بیکارند.

وی اضافه کرد از کل جمعیت ۷۲۹ هزار نفری فعال این استان حدود ۱۴ درصد فاقد شغل اند. او نرخ بیکاری در این استان را از ۱۸ تا ۱۲ درصد ذکر نمود.

- مدیر کل استان آذربایجان غربی گفت اگر برای معضل بیکاری ۱۰۶ هزار نفر از نیروهای آماده به کار این استان فکری اساسی نشود، این موضوع فاجعه افرين خواهد شد.

صنایع نساجی در خراسان

مدیر کارخانه پشمیقی توسمشه در مردم وضعیت نابسامان صنایع نساجی استان خراسان گفت: در حال حاضر ۷۰ درصد صنایع نساجی این استان بحالات رکود و توقف کامل در آمده است. او گفت از مجموع ۲۴ کارخانه نساجی این استان، تنها ۵ کارخانه مشغول بکار می باشد.

اعتصاب دانشجویان دانشکده نفت آبادان

دانشجویان دانشکده نفت آبادان، روز شنبه دوم آبان از رفتن به کلاسهای درس خودداری کردند.

آزادی کارگران دستگیر شده و دریافت دستمزد های معوقه به سرکار باز نخواهد گشت. روز ۱۱ نوامبر مجدداً کارگران در مناطق مختلف این کشور دست از کار کشیده و خواهان افزایش دستمزدها به میزان ۲۰ درصد شدند. کارگران اعلام نمودند که سیاستهای مالی تحمیل شده از بیکاران منجر خواهد شد. در همین رابطه هزاران نفر از کارگران راه آهن بلژیک، اسپانیا و یونان را وادار نموده تا توهه های کارگر و زحمتکش را تحت فشار قرار دهد. کنفرانسیون سراسری اتحادیه های کارگری زیمبابوه اعلام نموده که تا عقب نشیتی کامل دولت، روزهای ۴ شنبه هر هفته را روز اعتصاب عمومی اعلام خواهد نمود. روز ۳۰ نوامبر، بدنهای کسریش مبارزات و هراسی رژیم حاکم، "روبرت موکابه" رئیس جمهور این کشور به مدت ۶ ماه برگزاری اعتصاب را ممنوع اعلام کرد.

اعتصاب غذای ۱۲۷ کارگر مهاجر در هلند

از اواخر نوامبر سال جاری، ۱۲۷ کارگر مهاجر که سالهای زیادی در هلند کار کرده اند، در اعتراض به عدم دریافت اجازه اقامت، دست به اعتصاب غذای نامحدود زدند. این عده که عدتاً کارگرانی هستند که طی سالهای ۷۰ و ۸۰ برای فروش نیروی کار خود به هلند وارد شده اند، تاکنون موفق به دریافت اجازه اقامت دائم نشده اند. طبق قوانین جاری هلند، این کارگران باید ۶ سال متولی و سالانه ۲۰۰ روز متولی کار کرده باشند تا واجد شرایط محسوب شده و بروگه اقامت دریافت نمایند.

دهها تن از اعتصابیون، کارگرانی هستند که با وجود این که ۱۷ سال در سخت ترین شرایط جان کنده اند، با اختلاف چند روز، حد نصاب فوق را حائز نشده، لذا از اجازه اقامت که از حقوق ابتدائی آنان است، محروم اند.

مبارز سیاهپوست در استانه مرگ

روز ۲۹ اکتبر، دادگاه عالی ایالت پنسیلوانیا با تقاضای فرجام علیه حکم اعدام مبارز سیاهپوست آمریکائی، مومیا ابوجمال مخالفت نمود. مومیا ابوجمال که قریب ۲۰ سال در "راهروی مرگ" زندان شهر فیلadelفیا به سر میبرد به اتهام واهم قتل یک مامور پلیس به اعدام محکوم شده است. همچنین مقامات پلیس و فرماندار این شهر با اعمال سیاستهای نژادپرستانه از عضویت رنگین پوستان در هیئت منصفدارگاه بررسی محکومیت وی جلوگیری نموده است. از سوی دیگر سازمان نژاد پرستانه "برادری پلیس" اتحادیه سراسری پلیس آمریکا با اعمال خشونت و تهدید، از حضور شاهدانی که میتوانستند علیه ادعاهای پلیس و به نفع مومیا ابوجمال در دادگاه شهادت بدهند، جلوگیری کرده است. در همین رابطه صدها گروه و سازمان مترقبی و مدافعان حقوق پیشر و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان با صدور اطلاعیه و ارسال نامه های اعتراضی به مقامات مسئول در ایالت پنسیلوانیا، به این عمل ضد انسانی اعتراض نمودند. روز ۷ نوامبر نیز صدها نفر در دهها شهر آمریکا، در آفریقای جنوبی و کشور اروپائی با برقای تظاهرات خواهان آزادی فوری این مبارز سیاهپوست شدند.

خصوصی، کار خود را از دست داده اند. از سوی دیگر تجربیات کارگران راه آهن انگلستان به وضوح نشان میدهد که برغم تبلیغات عوامگریانه مدافعان نظم سرمایه، خصوصی سازی حمل و نقل کالاهای توسط راه آهن تنها به افزایش تعداد بیکاران منجر خواهد شد. در همین رابطه هزاران نفر از کارگران راه آهن بلژیک، اسپانیا و یونان روز ۲۲ نوامبر دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. در فرانسه کارگران راه آهن از روز ۲۲ تا روز ۲۴ نوامبر کارها را تعطیل نمودند. کارگران راه آهن در پرتغال و لوکزامبورگ روز ۲۳ نوامبر دست به یک اعتصاب ۲ ساعته زدند. کارگران ارسال نامه های اعتراضی به اجلاس وزرایی و ترابری اروپا و توزیع تراکت در قطارهای مسافری طی روزهای اعتصاب درسایر کشورها، راه و ترابری اروپا را به نمایش گذاشتند.

معدنچیان بلغار: دستمزدها را دو برابر کنید!

قریب به ۵۰۰ هزار نفر از کارگران معدن در جنوب بلغارستان، از روز ۱۱ نوامبر دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. اعتصابیون خواستار افزایش دستمزدها به ۲ برابر شدند. تناهی عکس العمل دولت این کشور در مقابل این حرکت، تشید تهدیدات بوده است. در این مورد نیز دولت اعلام نمود که در صورت ادامه اعتصاب، معادن این منطقه را تعطیل خواهد کرد.

تظاهرات و اعتصاب علیه افزایش قیمت‌های رز زیمبابوه

افزایش یکباره قیمت بلیط اتوبوس شهری به میزان ۲۰ درصد، برای دو میلیون بار طی سال جاری، تولد های جان به لب رسیده این کشور را به رو در روز ۹ نوامبر در این کشور آغاز شد. در این روز کارگران و کارمندان خطوط هوایی این کشور دست به یک اعتصاب ۴ ساعته زدند. همزمان با این حرکت، رانندگان تاکسی در شهر رم تا روز ۱۲ نوامبر دست از کار کشیدند. روزهای ۱۰ و ۱۲ نوامبر نیز نوبت کارگران خطوط مترو و رانندگان اتوبوسهای شهری خواهد بود که در اعتراض به تصمیمات دولت، دستاز کار بکشند.

روز ۱۰ نوامبر کنفرانسیون سراسری اتحادیه های کارگری زیمبابوه ZTU از تمام کارگران دعوت به عمل آورد تا به یک اعتصاب ۵ روزه دست بزنند. همزمان با این اعتصاب ۶ هزار نفر از معدنچیان معادن مس شمال این کشور، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد در ماههای اخیر، دست از کار کشیده و کنترل معادن این منطقه را بدست گرفتند. برای سرکوب کارگران اعتضای هزاران نفر سرباز ارتش به این منطقه گسل شده و برای پایان دادن به اعتصاب کارگران، به روى آنها آتش گشودند. در اثر این تیراندازی ۲ نفر از اعتصابیون جان خود را از دست دادند. برغم وحشی گریهای ارتش این کشور، معدنچیان به اعتصاب خود ادامه داده و اعلام نمودند تا



پست و مخابرات در الجزایر

۴۵ هزار نفر از کارگران پست و مخابرات از روز ۱۶ نوامبر دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. خواست کارگران افزایش پاداشها برای سال نو، پرداخت وام مسکن با بهره کم به کارگران و ایجاد امکانات بیشتر رفاهی میباشد. پس از گذشت چند روز دادگاه کارگران نیز قانونی از روزگار اعتصابیون خواست که هر چه سریعتر به سرکار بازگردند. کارگران نیز اعلام نمودند که این رای دادگاه را به رسميت نشناخته و تا رسیدن به خواستهای خود به اعتصاب ادامه خواهد داد. اقدام بعدی دولت برای درهم شکستن این اعتصاب، تهدیدات وزارت حمل و نقل مبنی بر اخراج تمام کارگران اعتمای این کشور بود. در همین حال رهبر کنفرانسیون اتحادیه های کارگری الجزایر UGTA اعلام نمود که در صورت ادامه تهدیدات دولت، کارگران سایر بخشها در همبستگی با اعتصابیون، دست از کار خواهد کشید.

اعتصاب کارگران حمل و نقل در ایتالیا

با اعلام تصمیم دولت ایتالیا مبنی بر خصوصی سازی حمل و نقل شهری و بخشی از خطوط هوایی دولتی این کشور موج اعتصابات وسیعی از روز ۹ نوامبر در این کشور آغاز شد. در این روز کارگران و کارمندان خطوط هوایی این کشور دست به یک اعتصاب ۴ ساعته زدند. همزمان با این حرکت، رانندگان تاکسی در شهر رم تا روز ۱۲ نوامبر دست از کار کشیدند. روزهای ۱۰ و ۱۲ نوامبر نیز نوبت راموقتسارکوب کرد. در روز ۱۰ نوامبر بار دیگر پایتخت این کشور شاهد درگیری وسیعی بین هزاران تن از مردم خشمگین و مأمورین پلیس و ارتش بود. در این روز تظاهر کنندگان با سنجاق پلیس و فرماندار این شهر رم را مهیا کردند. همزمان با آتش گشودن به روی پلیس و ارتش خشم و نارضایتی خود را به نمایش گذاشتند. با پیوستن جنبش کارگری به جنبش اعتصابی، ابعاد نارضایتی گسترش یافت.

روز ۷ نوامبر کنفرانسیون سراسری اتحادیه های کارگری زیمبابوه ZTU از تمام کارگران دعوت به عمل آورد تا به یک اعتصاب ۵ روزه دست بزنند. همزمان با این اعتصاب ۶ هزار نفر از معدنچیان معادن مس شمال این کشور، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد در ماههای اخیر، دست از کار کشیده و کنترل معادن این منطقه را بدست گرفتند. برای سرکوب کارگران اعتضای هزاران نفر سرباز ارتش به این منطقه گسل شده و برای پایان دادن به اعتصاب کارگران، به روى آنها آتش گشودند. در اثر این تیراندازی ۲ نفر از اعتصابیون جان خود را از دست دادند. برغم وحشی گریهای ارتش این کشور، معدنچیان به اعتصاب خود ادامه داده و نیم میلیون نفر در نتیجه واگذاری حمل و نقل کالا به بخش



جمهوری اسلامی جنایتی دیگر آفرید

و

محمد مختاری را به قتل رساند

محمد مختاری شاعر و نویسنده مترقبی، یکی از چهره‌های سرشناس ادبیات ایران که در طول تمام دوران زندگی خود علیه اختناق و سرکوب رژیم های حاکم پرایران مبارزه کرد و سالها از عمر خود را در زندانهای رژیم شاه و جمهوری اسلامی سپری نمود، توسط جمهوری اسلامی به قتل رسید.

محمد مختاری که یکی از فعالین برگسته کانون نویسندگان ایران در دوران کوتاه پس از سرنگونی رژیم شاه بود، اخیراً به همراه تعداد دیگری از نویسندگان، تلاش گسترده ای را برای تجدید فعالیت علمی کانون نویسندگان ایران آغاز کرده بود.

رژیم جمهوری اسلامی با فشار و تهدید و بازداشت کوشید اورا از ادامه تلاش و مبارزه برای تجدید فعالیت کانون باز دارد. اما محمد مختاری به مبارزه خود علیه اختناق و سرکوب و برای تجدید فعالیت کانون نویسندگان ادامه داد.

سراججام، روز پنجم شنبه ۱۲ آذر وی ناپدید شد و از او خبری نبود تا این که امروز چهارشنبه، خانواده اش جسد او را در پیشکی قانونی پیدا کردند. طبق اطلاعاتی که پیشکی قانونی ارائه داده، گویا پیس جسد او را روز جمعه ۱۳ آذر در شهری پیدا کرده است. این در حالی است که تا دیروز پیشکی قانونی از وجود فردی با مشخصاتی که خانواده وی ارائه داده بودند، اظهار بی اطلاعی کرده بود. جزئیات امر هرچه باشد، این واقعیت کاملاً مسجل است که محمد مختاری توسط دستگاه امنیتی و سرکوب جمهوری اسلامی ربود شده و به قتل رسیده است.

تровер محمد مختاری که در پی مرگ مشکوک مجید شریف و ترورداریوش و پروانه فروهر صورت گرفته است، ابعاد و دامنه وحشیگریهای حکومت اسلامی را نشان می دهد.

تроверهای بی دیپی چند هفته اخیر بیانگر این واقعیت اند که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با بیبرمانه ترین و وحشیانه ترین شیوه های سرکوب برای قلع و قمع مخالفین و سرکوب جنبش اعتراضی مردم دست به کار شده است و تровер را به عنوان یکی از اشکال اصلی سرکوب و در شکلی گسترده در دستور کار قرار داده است. این تроверها را دیگر نمیتوان بعنوان تورهای موردی همانند سالهای ازیزی کرد، این تроверهای سیستانیک چیز فراتر از گذشته اندو به یکی از ابزارهای اصلی سرکوب رژیم تبدیل شده اند.

واقعیت امر این است که با رشد روزافزون «نارضایتی و اعتلاء جنبش، رژیم جمهوری اسلامی که چشم انداز یک جنبش وسیع ترده ای را در برابر خود می بیست، برای مقابله با آن، گذشته از ارکانهای رسمی سرکوب، سازماندهی جوخد های مرگ را به شکلی گسترده در دستور کار قرار داده است. دستگاههای نظامی و انتظامی، امنیتی و قضائی و دستگاه روحانیت، سازمان دهنده این جوخد های تورو مرگ هستند.

در حالی که رژیم جمهوری اسلامی، تровер را به عنوان یکی از ابزارهای اصلی سرکوب در سطحی گسترده در دستور کار قرارداده و درچند روز اخیر چند تن از مخالفین جمهوری اسلامی توسط جوخد های مرگ به قتل رسیده اند، رئیس جمهور عوام فریب حکومت اسلامی که وظیفه ای جز بزرگ کردن چهره کریه و ضدانسانی این رژیم ندارد، از آزادی و حقوق انسانها در چارچوب حکومت ضد بشري و تعقیب و مجازات قاتلین سخن می گوید. اما این تроверهای بی در پی، بیش از پیش ماهیت ضد بشري حکومت اسلامی و خصلت ارتتعاشی تمام سران و دست اندرکاران رژیم را برملا می سازد. وحشی گریهای اخیر جمهوری اسلامی به هر انسان اندک حقیقتاً آزادیخواه نشان می دهد که راه دیگری برای پایان دادن به فجایع وحشتاتک جمهوری اسلامی جز سرنگونی فهر آمیز این رژیم وجود ندارد. جمهوری اسلامی تровер سیستم شده ارتتعاشی را به عنوان یکی از ابزارهای اصلی سرکوب به شکلی همه جانبه در دستور کار قرار داده است، مقابله با این رژیم و وحشی گریهای جوخد های مرگ و دیگر ارکانهای سرکوب رژیم جز از طریق سازماندهی یک جنبش گسترده توده ای ممکن نیست.

باشد تلاش کرد توده های وسیع مردم را به عرصه مبارزه رو در رو و علیه با رژیم کشاند. تهالع طریق یک جنبش وسیع کارگران و زحمتکشان و قیام مسلحانه است که می توان به عمر ننگین این رژیم و جنایتهای بی انتهای آن پایان بخشید.

گرامی باد یاد محمد مختاری

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

سازمان فدائیان (اقیت)
۱۳۷۷/۹/۱۸

ارگان و سختگوی ولی فقیه هم . . .

است، و خامت اوضاع تا بدان حد عیان و آشکار شده که روزنامه جمهوری اسلامی که ارگان و سختگوی ویژه "رهبر" است، آن هم غزل خدا حافظی را سرداده است. روزنامه جمهوری اسلامی در سرمهقاله ۲۷ آبان خود تحت عنوان "چه باید کرد_ حاکمیت و اقتدار ملی" "با اشاره به و خامت همه جانبه اوضاع و در بطن آن شکافها و کشمکش های جناحهای درونی حکومت، خطاب به سران و مسئولان رژیم میتویسد: "باید تلاش قابل ملاحظه ای برای محدود کردن دامنه منازعات سیاسی به عمل آورندو به این نکته اساسی توجه کنند که ادامه این منازعات با اقتدار ملی منافقات دارد". و در ادامه مقاله زنگ خطر را به صدا درمی آورد و میگوید: "وضعیت کنونی به نفع هیچ کس جز دشمنان نظام جمهوری اسلامی نیست. اوضاع اقتصادی کشور، اوضاع اجتماعی و معادلات بین المللی، این واقعیت را به همه ما گوشزد میکنند که بیش از هر زمان دیگری به اقتدار ملی نیازمندیم و اگر باید واقعیت توجه نکنیم، قطعاً برای حاکمیت نظام جمهوری اسلامی هیچ تضمینی وجود نخواهد داشت."

این جملات به زبانی دیگر شنیدن صدای انقلاب و رفت حکومت الهدایاعلام میدارد. وقتی که در روزنامه جمهوری اسلامی هم دیگر به این نتیجه رسیده که در شرایط کنونی هیچ تضمینی برای حاکمیت نظام جمهوری اسلامی وجود نخواهد داشت، حاکی از این واقعیت است که اگر این نتیجه ترین جناحهای حکومت هم امید خود را به برجای ماندن جمهوری اسلامی ازدست داده اند.

گرامی باد . . .

ساله بود که به جنبش انقلابی توده های مردم ایران علیه رژیم شاه پیوست. در جریان مبارزه و سرنگونی رژیم شاه به صفووف سازمان مأ پیوست. و فعالانه در تبلیغ مواضع سازمان از طریق پخش اعلامیه، نشریات سازمان و شعارنویسی کوشید. در جریان انشعاب بزرگ در سازمان مأ، از مشی انقلابی فدائیان افایت دفاع نمودو به مبارزه خود در بخش دانش آموزی ادامه داد. فعالیتهای آگاه گراند و انقلابی او منجری اخراج وی از دبیرستان خوارزمی شد. هر چند که او را دوباره پذیرفتند، اما رفیق پیام هنریار پیگیرانه به مبارزه خود ادامه داد. در سوم آبان ماه ۱۳۶۰ هنگامی که اعلامیه های سازمان را پخش میکرد، دستگیر شد. او در زندان نیز قاطعانه در برابر جلادان حکومت اسلامی ایستاد و از آرمانها و اهداف انقلابی خود دفاع نمود. او را به اعدام محکوم کردد و در تاریخ پانزدهم آذر همان سال در حالی که هنوز بیست سال نداشت در برابر جوخد های اعدام قرار گرفت.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

کار – نان – آزادی – حکومت سورائی

آلمان _ دوست بسیار عزیز (د. ش) نامه شما را دریافت کردیم. همانطورکه خودتان هم درنامه اشاره کرده اید مدت آبونمان شما دردسامبر ۹۸ به پایان می رسد. طبق درخواست خودتان همراه با نشریه فرم آبونه را برایتان ارسال کردیم. همچنین طبق خواست شما ادرس دوستان را در بلژیک که خواستار دریافت نشریه کارشده است، در اختیار انتشارات سازمان قرار دادیم تا نشریه و فرم آبونه برای ایشان نیز فرستاده شود.

* کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران، کانادا کارت شما به مناسبت یاد بود و در گرامی داشت قتل عام زندانیان سیاسی شهریور ۶۷ بدستمان رسید. همچنین از آلمان شماره ۷ نشریه ایل گون و از انگلستان شماره ۱۴ کانون، نشریه کانون ایرانیان لدن را دریافت نمودیم.

با کمال تاسف بعلت یکاشکال فنی که در مرور صندوق پستی سازمان بوجود آمده و نامه ها سهواً به صندوق پستی دیگری ریخته شده بود، نامه هائی که در زیر بدان اشاره میشود، غالباً با تأخیر بسیار زیاد بdest مارسیه است. ضمن ابراز تاسف عمیق از این موضوع و با پوشش از این اشکالی که ما هیچ سهمی در آن نداشتیم، بررسی نامه ها را ادامه می دهیم.

انگلستان _ دوست عزیز ح. آ، نامه شماره که با تأخیر زیادی بdest مان رسیده بود، در اختیار تشکیلات خارج کشورسازمان قراردادیم تا نسبت به درخواست های شما، تصمیمات مقتضی صورت گیرد.

بلژیک _ رفیق عزیز ف_ ر، نامه شمارا بعد از دو بار برگشته دریافت کردیم، محض اطلاع شما، از اردیبهشت ۷۷ به بعد، نشریه کاردر فرانکفورت آلمان آدرسی ندارد، در فرانسه نیاز خرداب ببعد آدرس ما تغییر کرد. از اینرو نامه شما هم بدآلمان و هم به فرانسه برگشت خورد. آدرسها و تغییرات مربوط به آن در نشریه کاردر جهاد میشود. در هر حال با ابراز تاسف از اشکالات بوجود آمده و اظهار خوشحالی از اینکه بالآخره نامه شما را دریافت کردیم، باتفاق انتشارات میرسانیم که چون هنوز نشریه کارشماری که در دست دارد آماده چاپ نبود، از شماره قبلی نشریه یک نسخه برایتان ارسال گردید. در ضمن تقریبا همزمان با دریافت نامه شما، نامه ای هم از یکی از دوستان شما از آلمان (که در همین شماره نشریه به آن اشاره شده است) که طی آن آدرس شمارا به منظور ارسال نشریه کاردر اختیار ما قرار داده بود، بdest مان رسید. در هر صورت آدرس شما در اختیار انتشارات سازمان قرار گرفت تا نسبت به ارسال منظم نشریه اقدام شود. پیروز باشید و برای ماباز هم نامه بنویسید.

بلژیک _ رفیق عزیز ه، نامه شمارادرمورد یکی از رفقاء هوادارسازمان (ش. غ) نیمه اول دسامبر دریافت کردیم. این نامه را در اختیار تشکیلات خارج کشور سازمان قرار دادیم تا نسبت به درخواست شما تصمیمات لازم اتخاذ شود. پیروز باشید.

گزیده ای از نامه های رسیده

توصیح کوتاهی برستون گزیده ای از نامه های رسیده

_ رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند. عدم تذکر این مسئله، بمعنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار میباشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم میگیرد.

_ تحریریه کار درگزینش نامه ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است.

_ نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت هایی از نامه های رسیده و همچنین یادداشت های را که از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکند، انتخاب کرده و آنرا بجا برساند. درج این مطالب، لزوماً بمعنی تأیید موضوع نویسنگان نامه های سخنرانی های سخنرانی این جلسه نیز چاپ رسیده است. ضمن تشكیر فراوان از این دوستان بخط اداری ارسال نشریه، به اطلاع این دوستان و سایر دوستان و تکشل های دیگر که برای سازمان نشریه می فرستند نشریات خود را تاکنون به آدرس ما در آلمان ارسال می کرده اند، میرسانیم که آدرس ما در هانوفر آلمان فاقد اعتبار است و بعد از این قابل استفاده نمیباشد لطف کنید نشریات خود را به آدرس زیر برایمان بفرستید.

_ از همه رفاقت دوستانی که برای ما نامه می نویسند درخواست میکنیم نامه خود را اگر تایپ نمیکنند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و بوره حلال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قبلی

آلمان _ دوست عزیز امیر _ پ : نامه شما مبنی بر دریافت منظم نشریه کار به دستمان رسید، نوشته بودید از نظر امکانات مالی، در وضعیت خوبی قرار ندارید و این مسئله نباشد. ضمن آرزوه بپرداخت کامل وجه اشتراک نباشد. از این آرزوه بطریف شدن مشکل مالی شما، نشریه کار را عجالتا برایتان فرستایم. ضمناً مبلغ ۲۰ مارک ارسالی شما را که بابت نشریه فرستاده بودید دریافت کردیم. در هر حال نامه شما را در اختیار انتشارات قرار دادیم تا نسبت به ارسال بعدی نشریه تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.

کانادا _ رفیق عزیز ا. ن. نامه شما همراه ۲۰ دلار کانادا را که بابت وجه اشتراک نشریه کار ارسال کرده بودید دریافت کردیم. این موضوع که درنامه خود اظهار امیدواری کرده بودید بتأثیر علاوه بر تبلیغ موضع و برنامه سازمان و پرداخت وجوده اشتراک نشریه، بتوانید به سازمان کمک مالی هم بمنایید و تقویت بنیاد مالی سازمان را اوظیفه خود تلقی کرده بودید، برای مابسیار دلگرم کننده بود. یگانه منبع تامین مالی شما از این نظریه میباشد. از این نظریه میتوانید به سازمان، پرداخت حق عضویت اعضاء سازمان و بعد از آن کمکهای مالی اعضاء، هواداران و سایر دوستان را سازمان می باشد. کمک مالی را از این نظریه میتوانید در هر قرایه هوادار سازمان می توانند نقش مهمی در پیشبرد وظائف محوله سازمان داشته باشند. این کمک ها ولی هرچقدر هم که ناچیز باشد، اما چنانچه در ابعادی گسترشده و بطور مداوم جریان داشته باشد، یقیناً بخش مهمی از معضلات مالی سازمان را که امروز به یکی از معضلات جدی ما تبدیل شده است، برطرف خواهد کرد. پس شما نیز با کمک های مالی خود، سازمان را در امر مبارزه باشید. برای سازمان کمکهای مالی چاک شیراکریس جمهور فرانسه توشه شده است که در آن نسبت به دعوت رسمی دولت فرانسه از خاتمی، اعتراض شده و نویسنده خواستار تجدید نظر نسبت به این دعوت و لغو آن شده است.

_ همچنین نامه سرگشاده ای از طرف این کانون به ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه توشه شده است که در آن نسبت به دعوت رسمی دولت فرانسه از خاتمی، اعتراض شده و نویسنده خواستار تجدید نظر نسبت به این دعوت و لغو آن شده است. همچنین نامه سازمان را که نشریه کار به آدرس جدید اطلاعات میرسانیم که نشریه کار به آدرس جدید شما فرستاده شد.



اعتصاب کارگران نساجی قائم شهر و

بازداشت مدیر عامل و معاون کارخانه توسط کارگران

حدود ۲۵۰۰ تن از کارگران نساجی قائم شهر که چندین ماه است دستمزد آنها پرداخت نشده و در خطر اخراج نیز قرار داردند، از روز یکشنبه ۷۷/۸/۲۴ با بیانی یک اعتضاب و اشغال کارخانه، مدیر عامل و معاون او را بازداشت نمودند.

در طی چندماه گذشته، کارگران مکرر و اشکال مختلف نسبت به عدم پرداخت دستمزدها و به تعویق افتادن مداوم آن اعتراض نمودند. مدیران کارخانه و مسئولین دولتی پیوسته به آنها وعده دادند، اما این وعده ها به جانی نرسیلو خواستهای کارگران بلاجواب ماند.

لذا، کارگران با تسلی به اعتضاب، توأم با اشغال کارخانه و بازداشت مدیران برای تحقق خواستهای بحق خود دست به عمل زدند.

این اتفاق اقلایی کارگران نساجی قائم شهر، پاسخ قاطعی است به کسانی که زندگی کارگران را به بازی گرفته و در چندماه گذشته از پرداخت دستمزد کارگران سریاز زده اند.

این تنها کارگران نساجی قائم شهر نیستند که با زورگویی سرمایه داران و اوضاع اسف بار مادی روپرور هستند، عموم کارگران نساجی و نیز در اغلب رشته های صنعت، کارگران با وضعیت مشابهی روپرور هستند. سرمایه داران و دولت آنها که سالها دسترنج کارگران را به جیب زده اند، اکنون در کارخانه های مختلف، به بهانه های واهی از پرداخت دستمزد کارگران سریاز می زندند، چندین ماه است که حقوق کارگران را پرداخت نکرده و علاوه بر این گروه کروه کارگران را اخراج می کنند. هم اکنون صدها هزار کارگر در سراسر ایران وجود دارند که چندین ماه است دستمزد آنها پرداخت نشده است. صدها هزار تن از کارگران نیز در یک سال گذشته اخراج شده اند و میلیونها کارگر در چنگال فقر و گرسنگی گرفتارند.

این است ثمره نظام سرمایه داری و حاکمیت جمهوری اسلامی برای میلیونها کارگر ایران. کارگران ایران راه دیگری جز اتحاد و مبارزه برای تحقق مطالبات خویش و مبارزه علیه نظم غیر انسانی و ستمگرانه موجود ندارند. سازمان فدائیان (اقلیت) از اتفاق اقلایی کارگران نساجی قائم شهر برای احراق حقوق خود پشتیبانی می کند و خواستار آن است که هر چه سریعتر خواستهای کارگران متحقق شود.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۷۷/۸/۲۶

کار - فان - آزادی - حکومت شورائی

گزیده ای از نامه های رسیده

مجاهدین در جلسه به سؤالات یکی دیگر از شرکت کنندگان که از ابتدای تا انتها در این اعتضاب شرکت داشته است، از جمله می نویسد "یکی از دولستان که از شب نخست اعتضاب حضور فعل داشت از مسئول جلسه پرسید آیا بحث آزادی میباشد یا مربوط است به جلسه مجاهدین؟ مسئول جلسه پاسخ داد بحث آزاد میباشد و شما هم می توانید سئوالتان را مطرح کنید. این دوست عزیز به علامت سؤال دستش را بلند کرد و از آقای... (مسئول جلسه) پرسید شما چه تضمین و ضمانتی می سپارید که آقای مسعود رجوی به نام دین و مذهب همان کارهای را سر مردم ایران بیاورد که سران جمهوری اسلامی ایران به همین نام در آورده اند؟ مضاف بر اینکه مردم ایران مار گزیده هستند و از ریسمان سیاوه سفید می ترسند؟ آقا فرهاد، اولین کسی که در آن جلسه برخاست و بدین هم موطن و دوست نازنین پرخاش کرد من بودم و بعد آقای... و تا حدودی هم آقای... جو جلسه کلیسا متشنج شد آقای... (مسئول جلسه) به ستوال کننده گفت بیرون از کلیسا با شما بحث و گفتگو میکنم. این هم موطن پاسخ داد چرا بیرون از جلسه و کلیسا خواهش میکنم در حضور حاضرین بحث و گفتگو کنیم تا شاید من و دیگران مقاعد شویم. گفتگو بی فایده بود..."

آلمان _ از جانب هیئت تحریریه نشریه "آوا" نامهای برای نشریه کارآرال شده است که در آن درخواست شده تا به مظنو برگزیدن مقالاتی از نشریه کار و درج و چاپ آن در نشریه "آوا" یک نسخه از نشریه کار به آدرس این نشریه فرستاده شود. آدرس نشریه آوا به همین منظور در اختیار انتشارات سازمان قرار دادیم تا نسبت به ارسال نشریه کار اقام شود.

سوئیس _ از سوئیس نامه مفصلی با مضمونی برایمان ارسال شده است، این نامه نیز با تأخیر بسیار زیادی بدست ما رسیده است. در این نامه که اساساً در پاسخ به نامه ای با امضای فرهاد مندرج در کار ۲۱۴ نوشته شده است، به مسائل مختلفی از جمله بهنحوه برخورد مسئولین سازمان مجاهدین در رابطه با سئوالاتی که برای هواداران بوجود می آید، همچنین در رابطه با توهمناتی که خودایشان نسبت به مجاهدین داشته اند، اشاراتی شده است. در این نامه باعتصاب غذای چند سال قبل مجاهدین در رابطه با سئوالاتی که برای هواداران و همچنین جلسه ای با این نامه نیز به نایاندگان تو ضیح دهد. نوبخت عضو هیئت رئیسه مجلس سپس در گفتگویی با خبرنگاران گفت بنیاد مستضعفین بیش از ۴۰۰ واحد صنعتی تولیدی و خدماتی بزرگ را در اختیار دارد و در سال ۱۳۷۶ ، ۶۰۰ میلیارد ریال سود برده است.

متوسط هزینه زندگی و حقوق ماهانه کارمندان
قره باغیان معاون وزیر امور اقتصادی و دارائی گفت "متوسط حقوق ماهانه کارمندان دولت در حال حاضر ۴۷۰ هزار ریال و متوسط هزینه زندگی یک خانوار شهری یک میلیون و ۱۳۰ هزار ریال است یعنی اکثر خانم و آقا هردو شاغل باشند باز هم کم می اورند!"

استقبال فرانسه از طرح گفتگویی تمدنها و تقدیر آر افزایش ارزش مبادلات به ۱۰ میلیارد فرانک

سفیر فرانسه در تهران، آقای فیلیپ دوسور من در یک گفت و گو با خبرگزاری حکومت اسلامی به گرمی از طرح گفتگویی تمدنها آقای رئیس جمهور استقبال کرد. ایشان پس از این استقبال اعلام نمودند که در دوران خاتمی مناسبات فرانسه و حکومت اسلامی به گرمی گراییده و حجم مبادلات تجاری میان دو کشور در یک سال گذشته به حدود ۱۰ میلیارد فرانک رسیده است. آمار منتشره از سوی اداره گمرک فرانسه نشان میدهد که در سال ۹۷ ارزش واردات ایران از فرانسه ۲۱ درصد نسبت به سال قبل از آن افزایش نشان میدهد.

۱۰ میلیون بی سواد

معاون سازمان نهضت سوادآموزی اعلام کرد که ۱۰ میلیون از جمعیت کشور بی سوادند. این رقم که در مورد صحت آن تردیدهای زیادی وجود دارد، بی اعتباری تبلیغات و ادعاهای سران حکومت را مبنی بر ریشه کن کردن بیسواند نشان میدهد.

در همین حال معاون آموزش و نیروی انسانی نهضت سوادآموزی که در خوزستان سخن میگفت اعلام نمود که هم اکنون بیش از ۸۰۰۰۰ کودک عتا ۱۴ ساله از تحصیل بازمانده اند. وی سپس افزود که از جمعیت ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفری استان خوزستان، ۷۰ هزار نفری بی سوادند.

رشد نرخ بیکاری
مرکز آمار ایران اعلام کرد که در سال گذشته نرخ بیکاری ۴ درصد افزایش یافت و از ۹ درصد به ۱۲/۱ درصد رسید. روزنامه های رژیم از قول متابع رسمی نوشتند که با توجه به افزایش شدید تعداد بیکاران در سال جاری این رقم احتمالاً به حدود ۲۰ درصد خواهد رسید.

بنیاد مستضعفان و ۱۰۰ میلیارد ریال سود

رفیق دوست رئیس بزرگترین انحصار اقتصادی - مالی وابسته به حکومت اسلامی و دستگاه روحانیت، در اوائل آذرماه در جلسه غیر علنی مجلس ارتجاع اسلامی حضور یافت تا در مورد سسو استقاده ها و عملکرد این بنیاد به نایاندگان تو ضیح دهد. نوبخت عضو هیئت رئیسه مجلس سپس در گفتگویی با خبرنگاران گفت بنیاد مستضعفین بیش از ۴۰۰ واحد صنعتی تولیدی و خدماتی بزرگ را در اختیار دارد و در سال ۱۳۷۶ ، ۶۰۰ میلیارد ریال سود برده است.

« دفاع از آزادی » واقعاً قمایشائی است

موجود را دره
تفویه است.

اما جنبش لیبرالی در این محدوده باقی نمانده و در غیاب یک جنبش توده ای نیزمند، گروهی از دمکراتها و حتی آنها را که ظاهراداعی کمونیست و مارکسیست بودن دارند، به درون خود کشیده و با خود همراه ساخته است.

در ادامه این روند، تلاش‌هایی در جریان است که جبهه ای رسمی نیز از این جریانات شکل بگیرد که یک سرآن در درون رژیم جمهوری اسلامی و سر دیگر آن چپهای لیبرال است. اما شکل گیری این جبهه با موانعی روپرتوست که یکی از مهم ترین آنها خط و مرزهای اصولی میان انقلاب و ضدانقلاب، مرزبندی جبهه انقلاب با بورژوازی و عوامل رفرمیست آن در جنبش ماست. حالا تلاشی آغاز شده تا این مانع از میان برداشته شود، این طور و اندوند کنند که بورژوازی و پرولتاریا هر دو به یکسان طرفدار تحول در وضع موجودند، مارکسیستها به همان اندازه انقلابی هستند که مثلاً بورژوازی مشکل در جبهه ملی، هر دو به یک اندازه مدافعان آزادی هستند و نه تنها بد نیست بلکه خیلی هم خوب و مثبت است که مثلاً چهاری مارکسیست با بورژواهائی از هر قماش در یک جبهه جمع شوند و برای اصلاحات در نظام موجود و برقراری یک حکومت دمکراتیک تلاش ننمایند. این خط مشی اکنون بین شکل پیش می رود که برخی از افراد غیر مشکل یا رهبران سازمانهایی که ادعای کمونیست بودن دارند، با

سران اپوزیسیون بورژوائی و لیبرال رفرمیسته تحت هر بهانه و توجیهی سندی را امضا و در سطح جنبش منتشر میکنند، تا آرام آرام معیار هاشی را که در جنبش چپ شکل گرفته درهم بشکنند و آنگاه دیگر برای این جریانات آسان تر است که به نام سازمانهای ایشان ججهه ای را تشکیل دهد که در برگیرنده طیفی از درون حکومت تا چچهای لیبرال باشد. نمونهای تلاش رادراطلاعیه ای ممی یابیم که در هشتم آبانماه با عنوان "در دفاع از آزادی اندیشه و بیان و محکومیت مکتب چماق داری" به امضا دهها تن از این افراد رسیده است که از همه قماش آدمی از بقایای ججهه ملی گرفته، تا اکثریتی ها وزیر مائوئیستهای دو آتشه سابق گرفته تا سابقاً چریک فدائی، از سران اتحاد فداییان گرفته تا راه کارگری ها در میان آنها یافت می شوند. از جمله این امضاکنندگان علی کشتگر، حمام شبیانی، قربانعلی عبدالرحیم پور، مستوره احمدزاده، پرویز نویدی، بیژن رضائی، مرتضی محیط ناصر رحیم خانی، هایده مغیثی، علی اصغر حاج سیدجوادی، حسن حسام، ناصر پاکادامن، عبدالکریم لاهیجی، کامیز روستا محمود راسخ، عباس عاقلی زاده، بهمن نیرومند و مهدی فتاپور هستند. توجیه‌ظاهری این اطلاعیه هم حمله مسحدهای خلق به جلسه سخنرانی علی کشتگر است.

آقای علی کشتگر که زمانی در راس سازمان "اکثریت" همکار لاجوردی در سرکوب و کشتار مخالفین حکومت اسلامی بود، پس از ترور جلال اوین توسط مجاهدین خلق، این اقدام را محکوم کرد. در پی این مساله‌گری ای از طرفداران سازمان مجاهدین به جلسه سخنرانی او در آلمان حمله میکنند و به او می گویند که اگر در همان جا

اطلاعیه کامل به جا و یا معناست. لاقل از دیدگاه بخشی از آنها بیش از آن که مساله دفاع مشترک با صلح لیرالله، لیرالله رفرمیستها و چپهای لیرالله از آزادی حائزهایی باشد، خود این اطلاعیه و امسا های زیر آن حائز اهمیت است. چرا که در پوشش چنین اطلاعیه هائی هدف دیگری دنبال نمی شود. گروهی آگاهانه و پیگیرانه در تلاش اند تا جبهه ای را تشکیل دهند که در یک سوی آن جناحی از درون خود رژیم و در سوی دیگر آن بخشی از با صلح چپها قرار میگیرند. در این میان هستند کسانی که از اصل ماجرا بی خبرند واز روی ساده لوحی پایی چنین اطلاعیه هائی را امسا میکنند، هر چند که توجیه وجودی جنبش لیرالله و دست اندرکاران تقویت آن، تا هنگامی است که جنبش انقلابی توهه های وسیع مردم به عنوان یک جنبش مستقل وارد صحنه نشده است و به محض این که این جنبش قدم به میدان بگذارد جریانات لیرالله پا به فرار میگذارند و جنبش لیرالله نیز ذوب میشود و از میان میور، اما چپ رادیکال که مدافعان سرنگونی تام و تمام نه فقط جمهوری اسلامی بلکه بورژوازی از قدرت است و از انقلاب و پیگیرترين دمکراسی دفاع میکند، نمیتواند از افسای تلاش های بورژوا لیرالله او آزادی خواهی دروغین آنها، غفلت ورزد. ما نه تنها با حکومت اسلامی بلکه با تمامیت بورژوازی و تمامیت نظم سرمایه دار، موجودشمنی آشتم، نایندر داریم.

ارگان و سخنگوی ولی فقیه هم

زنگ خطر را به صدا در آورده است

معمول رژیمهای خودکامه تا لحظه ای که سقوط میکنند، همواره به خود اطمینان میدهند که اوضاع خوب و رضایت بخش است و تا ابد دوام خواهند آورد. رژیم شاه که تصور میکرد، جزیره ثباتی که با کشتار و سرکوب و اختناق ایجاد کرده است، با هیچ طوفانی روپرتو نخواهد شد و سلطنت پهلوی ها نسل اندرونیل ادامه خواهد داشت، تنهای هنگامی آرزوهای خود را برپا میفرمود که طوفان انقلابی خلق، جزیره ثبات و آرامش را چنان متلاطم ساخت که صدای انقلاب را شنید و دیگر هیچ امیدی به امنیت نداشت.

جمهوری اسلامی هم در دوران حیات ۲۰ ساله اش پادرجای پا رژیم شاه نهادویا کشتارو سرکوب و اختناق در این پندرار واهی بود که حکومت الله در ایران جاودانه خواهد شد. هیچ کسی هم در درون رژیم به ذهن اش خطور نمیگردکه این رژیم هم رفتتی است، تا چه رسید به این که آن را بر زیان آورد. اما به موازات تشیدی نارضایتی و بحران که جنبش های نیمه اول دهه ۷۰ تجلی آن بود، برخی از جناحهای درونی رژیم زودتر از دیگران فهمیدند که اوضاع به مرحله ای از وخامت رسیده که دیگر نمیتوان به شیوه گذشته حکومت کرد، معهذا هنوز هم دستگاهی بوده و احتمالاً هستند که این را نفهمیده اند که اوضاع سخت بحرانی است و رژیم نمیتواند از این بحران و نارضایتی مردم جان سالم بدر ببرد. حالا که یک سال و اندی از دوران زمامداری خاتمی گذشته

رسماً اظهار نداشت کند، میتواند به سخنرانی خود
دادمه دهد. در غیر این صورت باید آنچه را ترک
کنند. طرفداران مجاهدین خلق در این حمله شعار
مرگ بر کوهنیسم سر میدادند. در پی این ماجرا
ست کاظلایعیه "دفاع از آزادی اندیشه و بیان ..."
 منتشر گردید.

ماهیت ارجاعی و ضد دمکراتیک مجاهدین خلق کنون سالهای است که حتی بر بخش وسیعی از توده های مردم ایران روش شده است، اگر کسانی تاکنون به دشمنی آشتبانی نپذیر مجاهدین خلق با ازادیهای سیاسی پی نبرده بود و تازه به این مساله پی برده است، به کند ذهنی خود آنها مربوط است. در بین امضا کنندگان افرادی یافت میشوند که تا همین چند پیش متوجه مجاهدین بودند و علیه کسانی که افشا ماهیت این جریان را در دستور کار خود قرار دادند، به همان ارجیف و شیوه های ضد دمکراتیک مجاهدین خلق متousel میشند. هفده سال پیش هنگامیکه "اقلیت" افشا همه جانبه ماهیت بورژوازی و ضد دمکراتیک مجاهدین خلق را در دستور کار خود قرار داد، چیزی ما که هنوز سازمان مجاهدین را انقلابی دمکرات می پنداشتند، برآشته شدند. اما به مرور حتی عقب مانده ترین افراد و جریانات هم فهمیدند که مجاهدین چه نیروی خطرناک و ضد دمکراتیک هستند. حالا مساله این است که پس از گذشت سالها از افشا ماهیت ضد دمکراتیک

مجاهدین و دهها و صدها نمونه عملی از اقدامات خدمتکاریک آنها، چه شد که عدهای به فکر دفاع از آزادیهای سیاسی و علیه چmac قادری مجاهدین فتاوی دند؟ چرا اینها تاکنون به فکر محکوم کردن دهها نمونه از اقدامات سکوپگرانه و ارتقای اسازمان مجاهدین خلق نبودند؟ چه شد که اینها به فکر محکوم کردن چmac قادری و اقدامات ضد مکراتیک امثال علی گشتگر تیاقاتند. چmac قادری و نقض دمکراسی و آزادی صرفاً بهم زدن جلسات مخالفین نیست. کسانی که هم دست او باش حزب الله، سپاه پاسداران و دادستانی اوین در سرکوب اسازمانهای انقلابی و مخالف رژیم بودند و صدها تنقلابی را به دست جلادان حکومت الله سپرندند، چmac قادر که چه عرض کنیم، خیانت کارند. به همین طلاعیه نیز که نگاه کنیم، این قهرمانان دفاع از آزادی سیاسی از همه چیز سخن گفتند. الا از این که شعار مجاهدین مرگ بر کمونیسم بود. انصاف باید ادکه نمیشود در جمعی که بخش قابل ملاحظه اان با کمونیسم و کمونیستهادشمی آشی ناپذیر دارند، شعار مرگ بر کمونیسم را محاکوم کرد. این فقط مجاهدین خلق نیستند که شعار مرگ بر کمونیسم میدهند، امثال آقای گشتگر هم همین کار را می کنند، متنها اکنون دیگر به شیوه ای "متبدانه"! همین واقعیات روشن میسازد که ایمان از کدام آزادی سخن میگویند، آزادی ادعائی طرفداران خاتمی که بخشی از امضاها متعلق به آنهاست، جز این نمیتواند باشد. لذا ماهیت آن آزادی بیان و اندیشه که امضا کنندگان از آن سخن میگویند، روشن است. واقع اتماشائی است و قتی که متحدین دیروز خمینی و موتلفین غیررسمی امروز خاتمی، به همراه به اصطلاح چهاری ما مشترکاً میخواهند از "آزادی بیان و اندیشه" دفاع کنند. اما هر آنچه که از دیدگاه چپ رادیکال، این قضیه مسخره جلوه دارد، اما اقاما از... گام دست اند کاران تبریز

حدائی دین از دولت، حزئی حدائی نایدیر از آزادیهای سیاسی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

I.S.V.W اطوطیش
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

I.S.F دانمارک
P.B.398
1500 Copenhagen V
Denmark

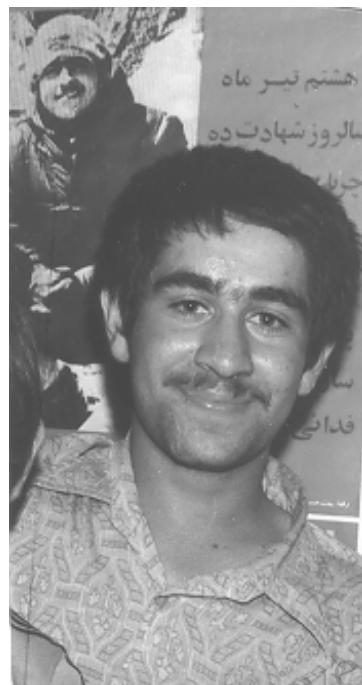
I.S.F سوئد
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

Sepehry سوئیس
Postlagernd 4018 Basel
Switzerland

A.A.A فرانسه
MBE 265
23 , Rue L'ecourbe
75015 Paris
France

P.B.22925 هلند
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

گرامی باد یاد رفیق پیام هنریار



اخیراً زندگی نامه یکی از جانباختگان فدائی که
به دست جلادان حکومت اسلامی تیرباران شد،
به دست ما رسیده که در این شماره نشریه کار
درج میشود.
رفیق پیام هنریار در چهارم فروردین ۱۳۴۱ در یک
خانواده سیاسی متولد شد. پدرش از افسران
سازمان نظامی حزب توده شاخه هوائی بود که
در دوران حکومت محمد رضا شاه به حبس ابد
محکوم شدو بعد از ۶ سال و اندی آزادشد. پدر
بزرگش نیز از هم رزمان ارانی بود که در دوران
حکومت رضا خان به ۵ سال حبس محکوم شده
بود.
رفیق پیام هنریار در ۱۳۵۷ ، شانزده

صفحه ۱۲

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر
واریز و رسید آرای به همراه کد مورد نظر به یکی از
آدرس های سازمان ارسال نمایید.

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

پست الکترونیک E-Mail :
info@fedaian-minority.org

یادداشت‌های سیاسی

«دفاع از آزادی» واقعاً تماشائی است

در کشورهایی که دیکتاتوری عربیان و آشکار بورژوازی حاکم است، معمولاً هنگامی که بحران فروپاشی رژیم آغاز میگردد، یک جنبش لیبرالی نیز از درون جناحهای از طبقه حاکمه و اقشار مرغه شکل میگیرد که هدف و رسالت خود رامهار و کنترل بحران از طریق حک و اصلاح و رفرمهای ناچیز در نظام موجود قرار میدهد. در ایران نیز در حالی که بحران فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی آغاز شده، معهداً هنوز بحران سیاسی تا بدان حد عمق و ژرفای نیافته که کارگران و زحمتکشان در یک جنبش توده ای مستقل علیه وارد عرصه مبارزه سیاسی شوند، آنچه که شکل گرفته است، یک جنبش لیبرالی است که سر دمداران آن بورژواهای ریز و درشت، بخشنا از درون خود هیئت حاکمه نظیر مجتمع روحانیون، سران خانه کارگر، مجاهدین انقلاب اسلامی و موتلفین رسمی و غیر رسمی آنها در خارج از حاکمیت نظیر بقایایی جبهه ملی، نهضت آزادی، لیبرال رفرمیستهای امثال توهدای هاوکریتیها، باصطلاح چهلی لیبرال منشکل یا منفرد، تشکلهای دانشجوئی وابسته به این دستگاهات، گروههای از استادان دانشگاه، وکلای دادگستری، نویسندهای روزنامه نگاران و امثالهم ، هستند. همه اینها بدون استثنای برای رفع این بحران در چارچوب نظم موجود تلاش میکنند تمام امید خود را به خاتمی و کایینه او بسته اند. هرچند که خاتمی نیز در عمل نشان داده است که کاری از وی ساخته نیست، اما جنبش لیبرالی نمیتواند به چیز دیگری جز امید بستن به استحاله لیبرالی رژیم از درون خود رژیم امید داشته باشد، چرا که اگر خاتمی تنواند از عهده این وظیفه برآید و سریعاً استحاله لیبرالی رژیم تحقق نیابد، آنگاه به زبان خود آنها به جای باران سیل براه خواهد افتاد و چنان طوفانی بپا خواهد شد که نه تنها حکومت اسلامی و طرفداران استحاله رژیم بلکه تمام نظم

صفحه ۱۵

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:
<http://www.fedaian-minority.org>

KAR Organization Of Fedaian (Minority)
No. 320 dec 1998